

خوشبختی پروانه است. اگر او را دنبال کنید از شما می‌گردد ولی اگر آرام بنشینید، روی سر شما خواهد نشست.

هیوم

روزنامه صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل - هرات

بخش همزمان:

بلخ

پروان

پنجشیر

میدان وردگ

و کاپیسا

ماندگار

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۸۰۳ شنبه ۲۹ جوزا / خرداد ۱۳۹۵ ۱۳ رمضان المبارک ۱۴۳۷ ۱۸ جون ۲۰۱۶



موفقیت من بانک من



www.azizibank.af 1515

کلیفند:

د امریکایی ځواکونو صلاحیتونه به افغانستان پوځ لا فعال کړي



په افغانستان کې د ناتو ځواکونو د قاطع ملاتړ ماموریت تاکید کوي چې افغان ځواکونه باید د وسله والو مخالفینو پر وړاندې خپلو تهاجمي بریدونو ته دوام ورکړي. یاد ماموریت وايي چې د افغان ځواکونو تهاجمي ستراتیژی، ښه نتیجه ورکړي او په افغانستان کې د امریکایی ځواکونو تازه صلاحیتونه به افغان ځواکونه لا ډېر فعاله کړي. دغه ماموریت وايي په افغانستان کې تاوتریخوالی وحشتناکه دی خو افغان ځواکونه یې پر وړاندې ښه مبارزه کوي.

په افغانستان کې د ناتو ځواکونو د قاطع ملاتړ ماموریت ویاند جنرال چارلس کلیفند له ازادې راډیو سره په ځانگړې مرکه کې وویل چې افغان ځواکونه د تېر کال په پرتله په پیاوړي دریځ کې دي او علت یې دا دی چې دوی له دفاعي حالته تهاجمي حالت غوره کړی دی.

چارلس کلیفند وايي، په افغانستان کې امریکایی ځواکونو ته د تازه صلاحیتونو ورکړه به افغان ځواکونه لا پیاوړي او د تهاجمي ستراتیژی په برخه کې به یې گټور تمام شي، خو په دې صلاحیتونو کې د امریکایی ځواکونو د شپې عملیات شامل نه دي. هغه زیاته کړه:

«په دوه زره پنځلسم کال کې لکه چې څنگه چې مو پرې خبرې وکړې افغان ځواکونه په دفاعي حالت کې و او ملاتړ هم ترې کېده خو اوس په دوه زره شپاړسم کال کې چې افغان ځواکونه په تهاجمي حالت کې دي، د ولسمشر له لوري امریکایی ځواکونو ته د تازه صلاحیتونو ورکړه به افغان ځواکونو ته دا فرصت ورکړي چې لا ډېر فعاله شي او د ستراتیژیکو بریاوو په ترلاسه کولو کې به ورسره مرسته وکړي»

په کابل کې د ناتو ځواکونو د قاطع ملاتړ ماموریت په داسې حال کې په افغانستان کې امریکایی ځواکونو د تازه صلاحیتونو ورکړه د افغان ځواکونو په گټه بولي چې وړاندې افغان حکومت هم له دغې پریکړې هرکلی کړی و.

امریکا په ۲۰۱۴ میلادي کال کې په افغانستان کې له جگړې لاس واخیست خو په افغانستان کې د بریدونو له زیاتیدو سره تېره اوونۍ یو ځل بیا د امریکا ولسمشر خپلو ځواکونو ته اجازه ورکړه چې په افغانستان له اړتیا سره سم په جگړې کې برخه واخلي.

ریاست جمهوری افغانستان:

جنگ در تورخم برنده‌ی ندارد

«کمیسیون به خاطر حل اختلافات مرزی میان افغانستان و پاکستان ایجاد است»



صفحه ۳

شهروندان و فعالان مدنی:

بی تفاوتی حکومت سبب تقویت طالبان شده است

«کمیسیون حقوق بشر و شورای علمای افغانستان در قبال به گروگان گرفته شدن و به شهادت رسانیدن شهروندان ما در کشور خاموش بوده است ضمن این که ما این خاموشی این دو نهاد را تقبیح می‌کنیم از آن‌ها می‌خواهیم هرچه زودتر موضع خود را در این قسمت اعلام کنند.»

صفحه ۳



سخنگوی وزارت خارجه امریکا:

بین افغانستان و پاکستان میانجی‌گری نمی‌کنیم

صفحه ۳



پشت پرده رد فرمان تکنیکی



تعمیق شکاف بین افغانستان - پاکستان



آینده افغانستان و سازمان‌های منطقه‌یی

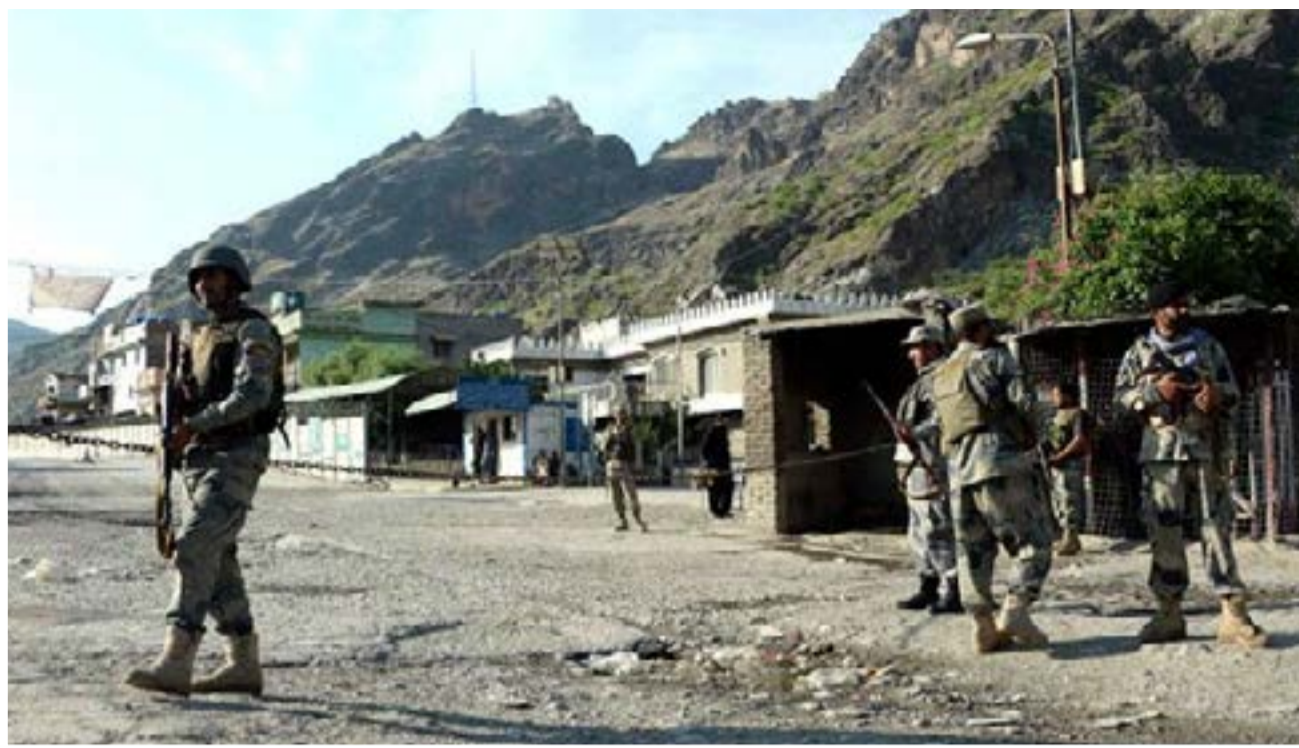


زمان تسویه حساب با پاکستان



در بوم ما

نثار احمد فیضی غوریانی - عضو مجلس نماینده گان



سخن ماندگار

چرا تظاهرات دیروز به خشونت کشیده شده است؟

بعد از گروگان‌گیری مسافران توسط طالبان در دست کم دو نوبت در ولایت کندز و کشته شدن تعداد از آنان، مردم در چندین ولایت کشور دست به راهپیمایی زده اند. در دو روز پسین (پنجشنبه و جمعه) هزاران تن از باشندگان کابل، در حرکتی دادخواهانه دست به تظاهرات مسالمت‌آمیز زده بی‌توجهی دولت در برابر این آدم‌ربایی را محکوم کردند. این تظاهرات اما روز شنبه به خشونت کشیده شد. پولیس چند مظاهرة‌گر را زخمی کرد و آنان را از راهپیمایی به سمت ارگ و سپیدار در چند کیلومتری آن توقف داد. لت‌وکوب کردن مظاهرة‌گران توسط پولیس، از دیگر خشونت‌هایی بود که روز شنبه صورت گرفت. به خشونت کشاندن تظاهرات مسالمت‌آمیز و مدنی در کابل که در آن مظاهرة‌گران خواهان رهایی گروگان‌هایی که نزد طالبان قندوز اسیر اند شده بودند و شعارهایی به حمایت از پولیس و نهادهای امنیتی سردادند می‌دانند، بسیار دلسرده کننده و در عین حال نگران کننده است. البته بار نخست نیست که پولیس در دولت وحدت ملی، مرتکب اعمال خشونت در جریان تظاهرات می‌گردد. پیش از این، گارنیزون کابل قبل از راه‌اندازی تظاهرات چند صد هزار نفری در حمایت از پروژۀ تا یا توتاپ مسیرهای داخل شهر را با قرار دادن قطارهای کانتینری مسدود کرد و مانع راهپیمایی مظاهرة‌گران به سمت شهر شده بود. حالا به خشونت کشاندن تظاهرات دیروز و راه‌بندان آن روز، این نگرانی را افزایش داده است که حلقه‌هایی در حکومت با ایجاد خوف و ترس بر دل مردم، در نظر دارند تا مانع حرکت‌های مدنی و برپایی تظاهرات مسالمت‌آمیز شوند. به نظر می‌رسد که برخوردهای استبدادی در چوکات نهادهای امنیتی، توسط افراد اعمال می‌شود که خیال می‌کنند با سرکوب مردم می‌توان بر گرده‌های آنان سوار شد. اما فراموش کرده اند که دست زدن به اقدامات مسالحتانه خشونت‌آمیز و به گلوله بستن مظاهرة‌گران و جوانان بیدار کشور، مردم را وادار می‌کنند تا خواست‌های شان را از طریق‌هایی مطرح کنند که سود آن برای هیچ کسی نخواهد بود. حفظ امنیت مظاهرة‌گران و حمایت از حرکت‌هایی مسالمت‌آمیز از وظایف اصلی پولیس است و پولیس کشور باید آموزش‌های لازم را برای مهار خشونت‌های احتمالی در تظاهرات فرا گرفته باشند و نباید به هر بهانه‌ی بی‌سینه مردم گلوله شلیک شود. رهبری وزارت داخله کشور باید بدانند که کسانی در صفوف پولیس رخنه کردند و در مقامات بلند جا خوش کرده اند و از مقام‌های بلندتری هم حمایت می‌شوند، تصمیم دارند که گلولی مردم را خفه کنند و با دست بردن به خشونت در برابر مردم، بر دل‌های آنان ترس راه‌اندازند. پیشنهاد ما به وزارت داخله کشور این است که آن عده از مسوولان، سربازان و افسران پولیس که تظاهرات دیروز را به خشونت کشاندند باید شناسایی و به پنجه قانون سپرده شوند و حتا آنان را به ولایت‌های نا امنی مثل قندوز، ننگرهار و هلمند بفرستد. زیرا آنانی که دوست دارند در برابر مردم از خشونت قلیل و شدید کار بگیرند باید به ولایت‌های ناامن فرستاده شوند تا غیرت و قدرت شان را در برابر دشمنان مردم نمایش بدهند نه در برابر مردم عادی و حرکت‌های مدنی. دیروز پولیس آنانی را در کابل به مرمی بست و لت‌وکوب کرد که در برابر طالبان و عملکرد آنان حرکت کرده بودند و این انتظاری بود که فقط از طالبان میرفت و به هیچ عنوان مردم عملکرد این چنینی افراد در نهادهای پولیس را بر نمی‌تابد.

زمان تسویه حساب با پاکستان

در تورخم، از رد پای هند در این درگیری‌ها سخن گفت و آن را نشانه خصومت دو کشور با منافع پاکستان خواند. اتهامی که هرگز نمی‌توان نسبت به صحت آن مطمئن بود و چیزی بیشتر از یک جنگ روانی، آن را تلقی کرد.

اما نکته مهمی که پس از درگیری‌های مرزی میان نظامیان پاکستان و مرزبانان کشور ما مشاهده شد، روحیه و حس وطن‌دوستی و وحدت میان اکثریت شهروندان افغانستان در این خصوص بود. اکثریت مردم افغانستان، با شنیدن خبر درگیری‌های نظامی در مرزهای شرقی کشور خود، به صورت یک‌پارچه از اقدام مرزبانان کشور حمایت کردند و اعلام داشتند که برای کمک به آنان، از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند.

شاید پاکستانی‌ها چندان انتظار چنین برخوردی از سوی شهروندان افغانستان را نداشتند و با توجه به نفوذ و حمایت خود از برخی گروه‌ها در داخل کشور، گمان می‌بردند که حوادث مرزی جو حمایت از آن‌ها را افزایش خواهد داد؛ ولی در عمل نه تنها که چنین نشد، بل خلاف آن، مردم افغانستان بر سر منافع ملی خود از اقدام‌های پیش‌گیرانه سخن گفتند.

حالا اما زمان گسترش ساحه عملکرد دیپلماسی برای حل معضلات پاکستان فرا رسیده است. دولت افغانستان نسبت به هر زمان دیگری در موقعیت برتر قرار دارد و می‌تواند با ایجاد دیپلماسی فعال، هم افکار جهانی را به این سمت بکشاند و هم از امکانات و توانمندی‌های نهادهای بین‌المللی برای تحت فشار قرار دادن پاکستان استفاده ببرد.

به نظر نمی‌رسد که ادامه سیاست‌های مداراجویانه، کارآیی خود را برای حل مشکلات میان دو کشور همچنان حفظ کرده باشد. سیاست مداراجویانه اگر نتیجه‌بخش می‌بود، در یک‌و نیم دهه گذشته باید به مشکلات دو کشور پایان می‌داد.

و واقعیت‌ها را به صورت وارونه آن‌گونه که منافع ما ایجاب می‌کند، نشان داد. واقعیت این است که پاکستان به اندازه کافی در ایجاد و حمایت گروه‌های تروریستی متهم است و به‌ساده‌گی نمی‌شود از این مسأله چشم‌پوشی کرد.

پاکستان در طول پانزده سال گذشته حاضر نشد به‌خاطر منافع سیاسی خود، به حمایت از گروه‌های تروریستی‌بی‌که عملاً به جنگ و کشتار در افغانستان دست می‌زنند، پایان دهد. گفت‌وگوهای صلح همواره به دلیل خلق مشکلات از سوی پاکستانی‌ها به نتیجه نرسید و این کشور هرگز به مداخلات در امور افغانستان پایان نداد. این‌ها سبب شدند که دولت‌مردان افغانستان با وجود همه تلاش‌های خود برای حفظ مناسبات با پاکستان، تغییراتی را در سیاست‌های کشور وارد کنند و بحث را از مجاری دیگر و به‌ویژه نهادهای جهانی و سازمان ملل دنبال نمایند.

هرچند در این رابطه هنوز توفیق چندانی به‌دست نیامده، ولی با وجود آن نسبت به سیاست‌های مداراجویانه گذشته، می‌توان با خوش‌بینی‌های بیشتری به موفقیت آن نگاه کرد.

مشکل مرزی میان دو کشور، از سال‌های زیادی وجود دارد و نمی‌توان آن را با وارد کردن فشار و یا حمایت از گروه‌های تروریستی حل‌وفصل کرد. برای حل این معضل باید به صورت عقلانی و از راه‌های قانونی و حقوقی وارد شد و اختلافات مرزی را دست‌انویز مداخله و کشتار مردم افغانستان قرار نداد.

پاکستان همچنین نسبت به روابط افغانستان با هند نیز نگران است و هرچند آن‌ها به خوبی می‌دانند که این روابط هرگز به زیان کشور سوم تمام نخواهد شد، ولی از آن به عنوان اهرم فشار بر افکار عمومی و ابزار جنگ روانی به سود خود استفاده می‌برند. پرویز مشرف رییس جمهوری سابق پاکستان به صورت واضح پس از درگیری‌های مرزی

مرز تورخم در شرق افغانستان در هفته اخیر شاهد چندین برخورد نظامی میان مرزبانان دو کشور افغانستان و پاکستان بوده است. ظاهراً دلیل این درگیری‌ها، ایجاد تأسیسات مرزی از سوی نظامیان پاکستان در مناطقی خوانده شده که به گفته مقام‌های امنیتی کشور، تخطی از قوانین پذیرفته‌شده محسوب می‌شود. مقام‌های کشور می‌گویند که پاکستانی‌ها خلاف اصول پذیرفته شده، تلاش داشتند که در داخل خاک افغانستان دست به ایجاد تأسیسات مرزی بزنند. این درگیری‌ها سبب شد که فضای تیره مناسبات میان دو کشور تیره‌تر شود و در نتیجه این درگیری‌ها، چندین تن به شمول افراد غیرنظامی کشته شوند.

پاکستانی‌ها مدعی‌اند که ایجاد تأسیسات نظامی در مرز (حالا چه فرضی چه غیرفرضی) به هدف نظارت بیشتر بر فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و ایجاد موانع بر رفت‌وآمد آن‌ها بوده است. این ادعا با وجود تلاش‌های مقام‌های پاکستانی برای نشان دادن حقانیت آن، اصلاً منطقی و واقعی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اگر پاکستانی‌ها خواهان نظارت بر فعالیت گروه‌های تروریستی می‌بودند، پس به گونه اولی باید رد و نشان آن‌ها را در داخل کشور خود و در مناطق نزدیک به تأسیسات نظامی‌شان جست‌وجو می‌کردند. مگر اسامه بن‌لادن رهبر شبکه تروریستی القاعده در نزدیکی اسلام‌آباد پایتخت پاکستان به قتل رسید؛ مگر ملا منصور اختر، رهبر گروه تروریستی طالبان در خاک پاکستان آماج حمله پهپادهای بی‌سرنشین امریکا قرار نگرفت؟ و مگر ده‌ها گروه تروریستی در مناطق وزیرستان شمالی و جنوبی، آموزشگاه و تأسیسات نظامی ندارند؟

این‌ها همه نشانه‌های روشن حضور گروه‌های تروریستی در خاک پاکستان‌اند و بارها می‌جامع بین‌المللی از موجودیت این گروه‌ها در خاک پاکستان هشدار داده‌اند. آفتاب را نمی‌شود با دو انگشت پنهان کرد

ریاست جمهوری افغانستان:

جنگ در تورخم برنده‌ی ندارد

«کمیسیونی به خاطر حل اختلافات مرزی میان افغانستان و پاکستان ایجاد است»

ابوبکر صدیق

دولت افغانستان می‌گوید که تنش‌ها میان افغانستان و پاکستان در گذرگاه تورخم، از راه گفت‌وگو حل می‌شود.

شاه حسین مرتضوی معاون سخنگوی ریاست جمهوری در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌گوید: در صحبت‌های انجام شده از طرف مسوولان سفارت افغانستان در پاکستان، به کاهش نیروهای ارتش در دو طرف مرز، آتش بس و توقف کار دروازه تورخم از جانب پاکستان، توافق صورت گرفته است.

آقای مرتضوی گفت: نیروهای پاکستانی خلاف قوانین مرزی چند روز پیش به ایجاد دروازه‌ی در خط مرزی تورخم پرداختند که باعث درگیری میان مرزبانان افغانستان با نیروهای سرحدی آن کشور شد. این درگیری که از یک شنبه هفته تا چهارشنبه به صورت پراکنده جریان داشت، منجر به کشته شدن سه سرباز افغانستانی و یک افسر پاکستانی و زخمی شدن ۴۰ نفر به شمول غیرنظامیان شده است.

بن درگیری‌ها واکنش‌های زیادی را در پی داشت. مجلس نماینده‌گان افغانستان پس از درگیری مرزی میان افغانستان و پاکستان، طی اعلامیه‌ی از تمام همکاران بین‌المللی افغانستان به صورت جدی خواست که تا مطابق به اسناد همکاری‌ها و توافقنامه‌های امنیتی با کابل عمل کرده و از تمامیت ارضی افغانستان دفاع کنند.

هم‌چنان، شاه‌حسین مرتضوی در ادامه سخنان خود گفت: به اساس توافق بین افغانستان و پاکستان کمیسیونی به‌خاطر حل اختلافات مرزی میان دو کشور ایجاد است که به حل مشکلات مرزی می‌پردازد؛ اما دولت پاکستان بدون در نظر گرفتن قوانین مرزی و اطلاعاتی کمیسیون در نقطه صفری مرز تورخم اقدام به ایجاد دروازه کرده که باعث درگیری میان مرزبانان افغانستان و نیروهای سرحدی آن کشور شد است.

او گفت که به اساس توافق انجام شده هرگاه پاکستان به ایجاد دروازه در مرز تورخم اقدام می‌کند؛ از نقطه صفری مرز تورخم ۱۰۰ متر باید فاصله داشته باشد. آقای مرتضوی افزود: در کمتر از یک هفته چند



درگیری میان نیروهای مرزی افغانستان و پاکستان اتفاق افتاد است و مرزبانان افغانستان با شهامت پاسخ نیروهای پاکستانی را داده‌اند. او افزود که دولت افغانستان طرف دار جنگ نیست، اما دفاع از خاک و مرزهای کشور حق ماست.

به گفته او، کشورهای بزرگ منطقه و جهان از جمله ایالات متحده آمریکا به‌خاطر حل مشکلات مرزی افغانستان و پاکستان تلاش می‌کنند و خواستار حل مسأله مرزی از راه گفت‌وگوهای دیپلماتیک میان دو کشور هستند.

او گفت: از دو ساعت به این طرف آتش بس میان مرزبانان دو کشور حاکم است.

آقای مرتضوی خاطر نشان کرد که جنگ در مرز افغانستان و پاکستان به نفع هیچ کشوری تمام نمی‌شود و برنده‌ی ندارد. اگر مرز تورخم یک ساعت بسته شود، تجار افغانستان و پاکستان ضرر بزرگی را متقبل می‌شوند. او باز بودن مرز تورخم را برای هر دو کشور ارزشمند خوانده افزود: در دیداری که رییس جمهور افغانستان با سران جهادی و سیاسیون داشت، آن‌ها نیز تاکید به حل مشکلات مرزی از طریق گفت‌و

شهروندان و فعالان مدنی:

گوی دیپلماتیک کرده‌اند. آقای مرتضوی جنگ میان افغانستان و پاکستان را به نفع تروریسم توصیف کرده افزود: افغانستان در نقطه مرزی پاکستان با پدیده تروریسم مواجه است و دولت افغانستان در مبارزه جدی با گروه‌های تروریستی در این منطقه قرار دارد؛ پاکستان باید این موضوع را باید جدی بگیرد.

او گفت: پاکستان به‌جای اینکه نیروهای مرزی خود را در برابر نیروهای افغانستان ارایش دهد، باید در برابر تروریستان که در منطقه مرزی پاکستان تردد دارند استفاده کند.

آقای مرتضوی خاطر نشان کرد: وجود تنش‌ها میان افغانستان و پاکستان در خط مرزی تورخم، بالای تمام ابعاد تجاری، سیاسی، زنده‌گی افرادی که در دو طرف خط زنده‌گی دارند تأثیر منفی دارد. او هم‌چنان گفت: افزایش تنش میان افغانستان و پاکستان فشارها را بالای مهاجرین در پاکستان افزایش می‌دهد.

عطامحمد نور والی بلخ در واکنش به ادامه درگیری‌ها در مرز تورخم گفته است که تنور جنگ را گرم نسازید زیرا این درگیری‌ها به سود هر دو کشور نیست. او هشدار داده است: در صورتی‌که کشور ما مورد اشغال قرار گیرد، همانطوری‌که در سه دهه مبارزه ثابت کردیم، نخستین سرباز خط دفاع و نبرد خواهیم بود.

آقای نور گفته است که ما در جریان مقاومت در برابر طالبان، القاعده و تروریسم شهامت خود را عملاً ثابت کرده و صدها جنگجوی خارجی به ویژه پاکستانی‌ها را اسیر گرفتیم که در خاطرات پاکستانی‌ها هنوز زنده است.

او جنگ را راه‌حل ندانسته و از سران هر دو کشور خواسته از راه دیپلماتیک معضل ایجاد شده را مهار کنند که مسدود شدن سرحد میان دو کشور، زیان‌های اقتصادی و روحی بر مردم و دولت هر دو میهن وارد می‌کند.

در همین حال، حضرت عمر زخیلوال سفیر افغانستان در اسلام آباد اعلام کرده در مذاکراتی که با مقام‌های این کشور در مورد تنش‌های تورخم داشته به آتش بس توافق شده است.

سفیر افغانستان در اسلام آباد گفته است که در گفت‌وگو با مقام‌های پاکستانی در مورد چهار موضوع از جمله قطع درگیری، کاهش آماده‌گی نظامی دو طرف، گفت‌وگو برای حل این مسأله و توقف کار از جانب پاکستان در مورد ساختن دروازه بین مرزی توافق شده است.

بی تفاوتی حکومت سبب تقویت طالبان شده است

روح‌الله بهزاد

تاجیک در صدر رهبری و تصمیم‌گیری‌های این حکومت، نماینده‌ی ندارد.

در این قطع‌نامه تصریح شده است: به صراحت اعلام می‌کنیم که آدم‌های خودفروخته، رأی‌فروش و معامله‌گری که به تکرار دست‌آوردهای سیاسی مردم ما را به هیچ فروخته و مصادره کرده‌سند و تا اکنون کشتار بی‌رحمانه مردم ما را خاموشانه تماشا می‌کنند؛ نه تنها پس از این نماینده ما نیستند، که ما ایشان را مهره‌های استخدام شده حلقه‌های خاص و در تبانی با دشمنان خویش می‌شماریم و پس از این طرف محاسبه اولی مردم ما همین مردم‌فریبان و رأی‌فروشان خواهد بود.

رهایی مسافران اسیر شده و به دادگاه معرفی شدن مسوولینی که در این گروگان‌گیری تصصیر داشته‌اند از خواست‌های دیگر جنبش رستاخیز دادخواهی بود.

همزمان با این، روز پنج‌شنبه ۲۷ خرداد/ثور نیز شماری از شهروندان و فعالان جامعه مدنی در گردهم‌آیی در پارک بهارستان کابل حکومت را به غفلت در برابر شهروندان و گروگان‌شده‌ها متهم کرده گفتند، بی تفاوتی حکومت سبب شده است تا حوادث یکی پی دیگر اتفاق بیفتند.

آنان با شعار «حکومت غفلت می‌کند طالب جنایت می‌کند، ستون پنجم شدی دشمن مردم شدی» گفتند، باید دولت در زمینه امنیت شاهراه‌ها توجه جدی کند در غیر آن، گروگان‌گیری شهروندان به فرهنگ طالبان تبدیل خواهد شد.

آنان هم‌چنان از حکومت خواستند، تا اسیران در بند مانده را آزاد، در پیوند به گروگان‌گیرهای اخیر وضاحت منطقی و از امن بودن این شاهراه‌ها در آینده برای مردم تضمین قوی و منطقی ارائه کنند.

عبداللین بیک عضو جامعه مدنی در این گردهم‌آیی بیان داشت: اگر گروگان‌گیری‌های بی‌توجهی دولت ادامه پیدا کند هیچ شاهراهی در کشور امن نخواهد ماند.

آقای بیک افزود: برای ما درد بزرگی‌ست که ستون پنجم در داخل نظام از مالیه شهروندان معاش دارند، اما برای

دشمن همین مردم فعالیت می‌کنند. بنا خواست ما در دولت شناسایی و به دادگاه کشانیده شدن این اشخاص است.

آقای بیک تأکید کرد: «کمیسیون حقوق بشر و شورای علمای افغانستان در قبال به گروگان گرفته شدن و به شهادت رسانیدن شهروندان ما در کشور خاموش بوده است ضمن این که ما این خاموشی این دو نهاد را تقبیح می‌کنیم از آن‌ها می‌خواهیم هرچه زودتر موضع خود را در این قسمت اعلام کنند.»

در سویی دیگر، هارون معترف فعال رسانه‌ی در این گردهم‌آیی اظهار داشت: آنچه مردم از دولت در قبال گروگان‌گیری شهروندان و کشته شدن آن‌ها انتظار داشتند تا به حال انجام نیافته است.

به باور او: سهل‌انگاری و بی تفاوتی دولت در بیشتر موارد سبب شده است تا حوادث یکی پی دیگر اتفاق بیفتند، اما مردم دیگر بی تفاوت نیستند و از دولت در این زمینه وضاحت می‌خواهد.

آقای معترف از شهروندان کشور خواست تا با جریان‌های عدالت‌طلبی برای خواستن و گرفتن حق‌شان هم‌صدا باشند و در دادخواهی‌های انسانی اشترک کنند.

محمد عارف بیات، عضو دیگر جامعه مدنی در این گردهم‌آیی گفت: حادثه پی حادثه تکرار می‌شود، اما توگویی ارگ و قصر سپیدار اصلاً از این حادثه‌ها خبر نمی‌شوند و شاهد واکنشی از این دو نهاد نیستیم.

او گفت: ما از حکومت وزارت، ریاست یا مقام نمی‌خواهیم که این همه معطلی می‌کنند، ما حق‌مان یعنی امن بودن کشور به ویژه شاهراه‌ها را برای رفت و آمد می‌خواهیم.

سمیع دره‌بی، از اعضای دیگر جامعه مدنی بیان داشت: بی تفاوتی حکومت مشهود است، اما از شهروندان می‌خواهم تا در طلبیدن حق‌شان بی تفاوت نمانند در غیر آن، این بی تفاوتی سبب خواهد شد تا حکومت در بازی‌های خود ادامه بدهد و ستون پنجم بیشتر فعال گردد.

به گفته آقای دره‌بی: باید قبل از این که حادثه دیگری رخ دهد و ما برادر و خواهر دیگر خود را از دست بدهیم، این

سخنگوی وزارت خارجه امریکا:

بین افغانستان و پاکستان میانجی‌گری نمی‌کنیم

نیروهای افغانستان و پاکستان هفته گذشته سه بار باهم درگیر شدند. در پایان هفته دو طرف به آتش بس موقت توافق کردند.

در حالی که شماری از نماینده‌گان مجلس افغانستان از سکوت امریکا در این قضیه انتقاد کرده‌اند و خواستار تجدیدنظر در پیمان امنیتی کابل-واشنگتن شده‌اند، سخنگوی وزارت امور خارجه این کشور اعلام کرده که در این درگیری‌های دخالت نمی‌کنیم.

اکونومیک تایمز نوشت: جان کری طی اظهاراتی اعلام کرد که علیرغم ادامه حمایت امریکا از افغانستان اما برای حل این تنش، نقش کشور ثالث را ایفا نخواهیم کرد.

وی همچنین ضمن ابراز نگرانی از تنش بوجود آمده بین این دو کشور گفت که در مورد آسیب‌های احتمالی این تنش بر مذاکرات صلح طالبان-افغانستان نمی‌توانم چیزی بگویم.

کری افزود: افغانستان و پاکستان خود به تنهایی صلاحیت حل مشکلات به وجود آمده در راستای پیشبرد مذاکرات صلح را دارند و در این راستا نقش پاکستان و حمایت اسلام آباد از این روند بسیار ضروری و مهم است.

وی از پاکستان و افغانستان خواستار خویشتنداری و تلاش برای حل صلح آمیز تنش‌ها و اختلاف‌های مربوط به مرز تورخم شد و گفت: ما از نزدیک تحولات و رویدادهای مرز تورخم را دنبال می‌کنیم و از دو طرف خواستار آرامش و حل صلح آمیز این مسئله هستیم.

درگیری‌های مرزی بین نیروهای افغانستان و پاکستان در مرز تورخم از یکشنبه شب (۲۳ جوزا) آغاز شده است.

نیروهای مرزی افغانستان و پاکستان پس از آن در مرز تورخم با یکدیگر درگیر شدند که نظامیان پاکستانی می‌خواستند تاسیساتی را در نزدیکی مرز ایجاد کنند.

وضعیت مهار گردد و نقطه پایان بگذاریم. او گفت: رهبران و مسوولانی که از پول ملت به قدرت و ثروت رسیدن باید بدانند که اعلامیه‌ها و محکوم‌کردن‌های واهی‌شان درد ملت را دوا نخواهد کرد، اگر قرار است برای مردم کاری کنید، باید آن‌ها را بسنج بسازند.

آقای دره‌بی خطاب به مسوولان حکومت اظهار داشت: بی تفاوتی و نارسایی‌های‌تا از این بیش برای مردم قابل تحمل و قبول نیست باید صبر مردم را از این بیش آزمایش نکنید.

همزمان با این، احمد ذکی رییس جنبش مدنی عدالت اجتماعی گفت: غفلت، بی‌برنامه‌گی سوء مدیریت، اختلافات ذات‌البینی حکومت و تشکیلات خیالی در نهادهای امنیتی همه سبب شده تا مردم به‌کام آزدهای ظلم و جنایت فرو روند.

برگزار کننده‌گان این گردهم‌آیی در اخیر با پخش اعلامیه‌ی سیاست‌های دولت را ناسنجیده خواندند.

در این اعلامیه از شورای امنیت ملی خواسته شده تا در قسمت شناسایی و محاکمه حامیان گروه طالبان در درون حکومت اقدام جدی و عملی کند.

در قسمت دیگر این اعلامیه هم‌چنان آمده است: «حکومت وحدت ملی هرچه زودتر گزارش کامل و قناعت بخش از حادثه کنذ را با مردم و جامعه مدنی شریک و به مردم اطمینان دهد که عاملی این جاده بازداشت محاکمه و مجازات می‌شوند.»

گروگان‌ها به زودی آزاد می‌شوند در عین حال، دولت وزیری سخنگوی وزارت دفاع گفته است که عملیات نیروهای امنیتی برای رهایی گروگان‌های کنذ ادامه دارد و به‌زودی آن‌ها از چنگ مخالفان مسلح دولت آزاد می‌شوند.

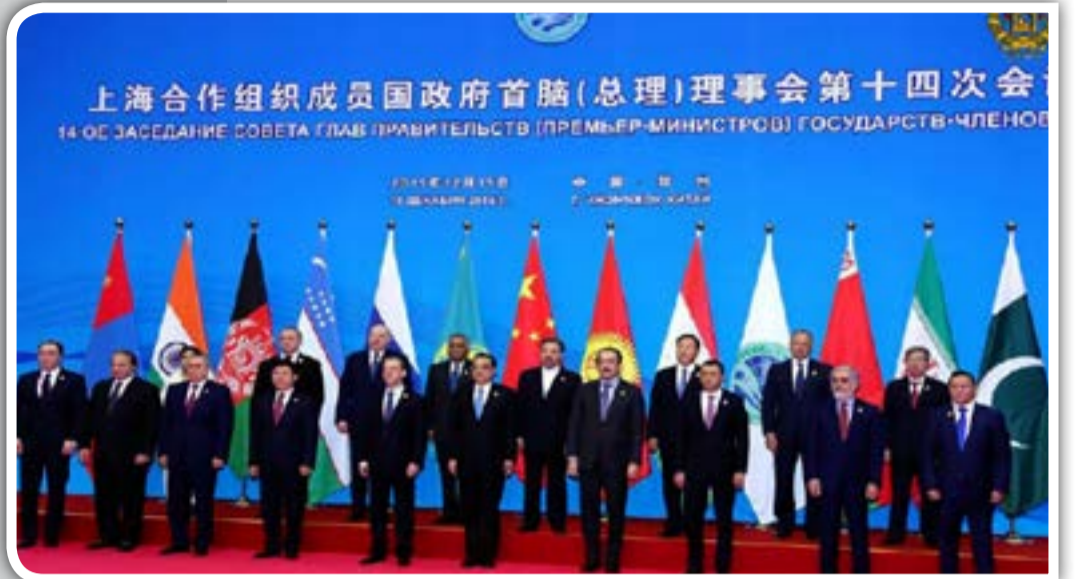
آقای وزیری هم‌چنان افزود: نیروهای امنیتی تلاش دارند تا گروگان‌های کنذ را به حفظ سلامتی آن‌ها نجات دهند.

سخنگوی وزارت دفاع گفت: برای حفظ سلامتی گروگان‌ها تاکنون عملیات رهایی آن‌ها تأخیر داشته است؛ نیروهای امنیتی می‌خواهند بدون آسیب‌رسیدن و تلفات آن‌ها را آزاد کنند.

به گفته آقای وزیری: چندین عملیات توسط ارتش ملی، پولیس ملی و امنیت ملی انجام شده است تا موقعیت نگه‌داری گروگان‌ها مشخص شود.

او تصریح کرد: حکومت در زودترین فرصت مشکل گروگان‌ها را حل می‌کند.

بخش سوم



آینده افغانستان

و سازمان‌های

منطقه‌یی

کتر محیی‌الدین مهدی



۳. روسیه: دولت فدراتیف روسیه که وارث اتحاد شوروی بود، لاقلاً در سیاست خویش در قبال افغانستان، یک چرخش یک‌صدو هشتاد درجه‌یی را اعمال نموده؛ دشمنان دیروزی، دوستان دوره جدید بودند. فدرایتیف روسیه، حمایت بی‌دریغ سیاسی از مقاومت علیه طالبان و القاعده به عمل آورد. پس از شهادت مسعود، وزیر دفاع روسیه در جلسه کشورهای حامی مقاومت گفت که سربازان دولت اسلامی افغانستان پس از ورود امریکا به این کشور، نباید سلاح‌های خود را بر زمین بگذارند؛ دولت اسلامی نباید به انحلال خویش به نفع دولتی که امریکا خواهد ساخت، راضی گردد. اما پیشنهادهای وزیر دفاع روسیه از جانب جنرال محمد تقسیم فهیم که اینک جانشین احمدشاه مسعود بود، رد گردید. به نظر می‌رسد که این جلسه، آخرین جلسه در نوع خویش در دفاع از مقاومت بود. فدرایتیف روسیه که خود را مسوول حراست از سرحدات جنوبی شوروی سابق می‌داند، جنگ جدایی‌طلبی چین را نیز به خاطر دارد. جدایی‌طلبان چین در کابل سفارت و در مزارشریف نماینده‌گی داشتند. از این‌رو روسیه مانند تاجکستان از چگونگی تقسیم قدرت ناراضی بود، و روند جدید را "پشتونیزه کردن" افغانستان می‌نامید. با این حال، از حضور نیروهای بین‌المللی در افغانستان حمایت نمود، هرچند هم غرب و هم مهره‌های اساسی دولت جدید، با حضور روسیه در افغانستان حتا در ساحه بازسازی مخالفت کردند. به این ترتیب، به‌طور قطع می‌توان گفت که روسیه کماکان مخالف اعاده دولت طالبی و نفوذ پاکستان در افغانستان است.

سازمان‌های مهم منطقوی عبارت‌اند از: ایکو، سارک و شانگهای. همه کشورهای منطقه آسیای شمالی، جنوبی و آسیای مقدم عضو یکی از این سازمان‌ها اند. با این حال، هیچ یک از سازمان‌های مذکور، موثرتی لازم را ندارند؛ زیرا میان اعضای هر یک از این سازمان‌ها اختلافات شدید سیاسی و مرزی وجود دارد. در این میان، علی‌رغم تجانس و اشتراک فرهنگی و

تاریخی میان کشورهای عضو ایکو، این سازمان از کمترین موثرتی و هماهنگی میان اعضای خویش بهره‌مند بوده است. به نظر می‌رسد تا کنون هیچ توافق‌نامه اقتصادی و گمرکی‌یی میان این کشورها وجود ندارد، چه رسد به این‌که ده کشور عضو ایکو بتوانند به‌طور دست‌جمعی و سازمان‌یافته در مسایل سیاسی منطقه و جهان عمل کنند. بیشترین اختلافات میان کشورهای افغانستان - پاکستان و ازبیکستان - تاجکستان است. گذشته از این، سه کشور قدرتمند عضو ایکو یعنی ایران، ترکیه و پاکستان، علاوه بر رقابت‌های سیاسی میان خویش، به مسایل منطقه‌یی اطراف خود مصروف‌اند؛ ایران به خاورمیانه، ترکیه به حوزه مدیترانه و کشورهای عربی و پاکستان سرگرم رقابت با هند و جنوب آسیا هستند. هرگاه سازمان ایکو به مسایل اقتصادی پردازد، افغانستان به دلیل موقعیت مرکزی خویش، بهره‌ وافر از عضویت در این سازمان خواهد برد.

سارک چنان‌که از نامش پیداست، سازمانی‌ست که کشورهای جنوب آسیا را که در هیأت هند بریتانیا شامل بودند، در بر می‌گیرد. اما به دلیل خصومت دو عضو مقتدر این سازمان یعنی هند و پاکستان، سارک نیز در طول حیات خویش از کمترین موثرتی برخوردار بوده است. سارک بیشتر از ایکو صحنه رقابت‌های سیاسی است؛ هر یک از دو قدرت مذکور می‌کوشند از میان اعضای سازمان شریک بازی پیدا کنند. اگر در نظر بگیریم که میزان مبادلات کالا اولاً میان هند و پاکستان و سپس میان هند و افغانستان از طریق سرحدات شرقی و غربی پاکستان قریب به صفر است، آن‌گاه عضویت افغانستان در سارک را جزو فعالیت‌های عضوگیری هند به حساب خواهیم آورد. گذشته از این، افغانستان در جنوب آسیا موقعیت دارد و شامل هیأت هند بریتانوی نبوده؛ بنابراین باید اذعان داشت که تمایلات دولت حامد کرزی به هند، افغانستان را به آن جرگه کشانده است. هند هرگز

نمی‌خواهد روابط افغانستان با پاکستان بهبود یابد. با آن‌که پیش‌فرض‌های رشد اقتصادی مبنای تأسیس شانگهای پنج بوده، اما در حال حاضر شانگهای، سازمان امنیتی - سیاسی است؛ حضور دو قدرت بزرگ جهانی یعنی روسیه و چین در این سازمان به اهمیت آن افزوده است. هرچند انگیزه ایجاد این سازمان را دفاع در برابر گسترش ناتو، پس از فروپاشی شوروی و انحلال "پیمان وارسا" می‌دانند، ولی کشورهای کوچک منطقه، دست‌کم خود را در زیر چتر حمایت قدرت‌های بزرگ عضو شانگهای، از گزند اغتشاش داخلی و تهدید همسایگان مصون می‌بینند.

آیا سازمان شانگهای طلیعه بازگشت به جهان دوقطبی دوره جنگ سرد است؟ در حال حاضر چنان به نظر می‌رسد که قدرت‌های بزرگ جهانی در یک تفاهم نسبی به‌سر می‌برند؛ عصر ایدیولوژی و اصطکاک‌های اجتناب‌ناپذیر پایان یافته است، ولی رقابت‌های اقتصادی و هوس یک‌تازی که در سیر زمام‌داران آن‌ها وجود خواهد داشت، جهان آتی را عرصه رقابت‌های شدید ابرقدرت‌ها نشان می‌دهد. هند و پاکستان هر دو درخواست عضویت در این سازمان را پیش کشیده‌اند؛ اما در صورت بروز تشنج میان این دو کشور، اعضای سازمان، به‌خصوص چین و روسیه کدام جانب را خواهند گرفت؛ آیا همان روش سنتی دوره جنگ سرد که اتحاد شوروی از هند، و چین از پاکستان حمایت می‌کرد، دستورالعمل سازمان خواهد بود؟

I. ناتو و قدرت‌های غربی

از استقلال تا کودتای ثور: ظاهراً فاصله‌گیری افغانستان از جهان غرب، از استقلال افغانستان از انگلیس و تمایلات شاه امان‌الله به شوروی سابق آغاز گردید. ادعاهایی مبنی بر دست داشتن بریتانیای کبیر در عمل هند بریتانوی در قبال خیزش‌های مردمی علیه شاه امان‌الله، این روابط را سردتر ساخت.

بخش دوم

شکم بزرگ‌تان از کجا آمده و با سلامت شما چه می‌کند؟

غذای بسیار کم چرب می‌خورید؟
حتماً شما هم شنیده‌اید که مصرف بیش از اندازه غذاهای چرب، یکی از دلایل چاقی به‌ویژه چاقی شکمی است، اما احتمالاً نشنیده‌اید که بیش از اندازه چربی نخوردن هم می‌تواند به چاق شدن شکم شما منجر شود. محققان می‌گویند کسانی که بیش از اندازه بر نخوردن چربی تأکید می‌کنند، صاحب شکم‌هایی چاق و نازیا می‌شوند. از نظر آن‌ها، مصرف چربی‌های مفید هم برای سلامت لازم است و هم برای زیبایی افراد و کسانی که می‌خواهند تناسب اندام‌شان را حفظ کنند، باید در رژیم‌شان چربی‌های غیراشباع مثل آووکادو، روغن زیتون، دانه‌های روغنی، مغزها و... را جا دهند. از طرف دیگر، محققان می‌گویند چربی‌ها به جذب بسیاری از مواد غذایی مفید کمک می‌کنند. برای مثال آن‌ها می‌گویند اگر سالادتان را بدون روغن زیتون یا روغن هسته انگور بخورید، فایده زیادی نصیب بدن‌تان نمی‌شود پس صفر و یکی نباشید و برای دور کردن خطرات غذاهای چرب از خودتان برای همیشه با چربی‌ها قهر نکنید.

کم می‌خواهید؟

کم‌خوابی و خسته کردن خود را با فعال بودن و سحرخیزی اشتباه نگیرید. محققان می‌گویند آدم‌هایی که به اندازه کافی نمی‌خوابند، به احتمال زیاد دچار چاقی و به‌ویژه چاقی شکمی می‌شوند. یافته‌های آن‌ها حاکی از این است که در بدن افرادی که شب‌ها به اندازه کافی نمی‌خوابند، سطح هورمون استرس یعنی کورتیزول بالاتر است.

بالا بودن میزان این هورمون باعث می‌شود فرد به مصرف بوره میل بیشتری داشته باشد و سراغ ریزه‌خواری و گرفتن کالری‌های بیشتر هم برود. محققان می‌گویند کمتر از پنج ساعت خوابیدن در شب، شکم را بزرگ می‌کند اما اگر بین هفت تا ۹ ساعت در شبانه‌روز بخوابید، میزان این هورمون در بدن‌تان به تعادل می‌رسد و تناسب اندام‌تان حفظ می‌شود. گذشته از این محققان می‌گویند تنها خواب به اندازه نیست که تناسب اندام شما را حفظ می‌کند بلکه سحرخیز بودن هم در این مورد نقش دارد. پس شب زنده‌دار نباشید و به قیمت خوابیدن در میانه‌روز، میزان خواب‌تان را به کمتر از ۷ ساعت نرسانید.

کم پروتیین می‌خورید؟

مصرف به اندازه پروتیین، بدنی زیبا و عضلانی را به شما هدیه می‌کند، اما وقتی کمتر از نیاز بدن‌تان پروتیین می‌خورید، به احتمال بیشتری اشتهای کاذب پیدا می‌کنید. پروتیین به شما کمک می‌کند اشتهای‌تان را کنترل کنید و به وضعیت هورمون‌های‌تان سروسامان دهید. محققان می‌گویند خوردن غذاهای پروتیینی باعث می‌شود زمان طولانی‌تری احساس سیری کنید و کمتر به خوردن میان‌وعده و هله‌هوله تمایل پیدا کنید. پس سعی کنید در هر وعده غذایی‌تان ۲۰ تا ۲۵ گرم پروتیین بگنجانید تا شکم‌تان هر روز بزرگ‌تر نشود.

منبع: مجله سب سبز



می‌آمد و عواید و درآمد آنان نیز به شوهرانشان تعلق می‌گرفت. از همه جالب‌تر این‌که، همین‌ها در امر شهادت بر اسلام خُرده می‌گیرند و معادل بودن شهادت دو زن را در نبود یک مرد، نابرابری غیر عادلانه می‌خوانند.

ویل دورانت آورده است:

او (یهوه) در آخرین بند از فرمان‌های دهگانه‌اش، که به قول مشهور به موسی فرستاد، زنان را در ردیف چارپایان و اموال غیرمنقول ذکر کرد. یهوه خود آفریده تصور و خیال قوم یهود بود و این قوم نیز مانند همه اقوام جنگجو زن را مایه مصیبت و بدبختی می‌دانستند؛ وجود او فقط از آن‌رو قابل تحمل بود که یگانه منبع تولید سر باز بود. یهودیان قدیم هنگام تولد دختر شمع روشن نمی‌کردند؛ مادری که دختری می‌زاد، بایستی دوباره غسل کند. اما در پسر که به عهد خود با یهوه می‌بایلد، همیشه در نماز خود تکرار می‌کرد: «خدایا تو را سپاسگزارم که مرا کافر و زن نیافریده‌ی». ولی یهود در این عقیده تنها نبودند. [...] در سرتاسر شرق، زنان تا پسری نوزاده بودند، منفور بودند و اگر پسری می‌زادند تا در میدان جنگ کشته نمی‌شد، مورد احترام نمی‌شدند.

هندوها بر اساس معتقدات دینی خود، زنده‌گی زن‌ها را بعد از وفات شوهرانشان ننگ تلقی می‌کردند و زن‌ها را یک‌جا با جسد شوهرانشان زنده آتش می‌زدند. از دید آن‌ها یکی از نشانه‌های وفاداری آن بود که زنی خودش را همراه با جسد شوهرش به آتش اندازد. در آیین هندویی که وفاداری به شوهر از اهمیت بیش از حدی برخوردار بود، زنان باید به زنده‌گی خویش پس از مرگ و یا کشته‌شدن شوهرانشان خاتمه می‌دادند. چینی‌ها نیز زن را موجود شریر، فتنه‌گر و مصدر شر می‌دانستند. آن‌ها حتی با خواهران و مادران‌شان



عبدالبشیر فکرت بخشی، استاد دانشگاه کابل
بخش سوم

گذشته از این‌ها، سطحی‌نگری به مسأله حقوق زن و عدم تعریف و تعیین تیوریک آن، دشواری دیگر گروه‌های فعال حقوق زن است. اینان نه سنت را می‌فهمند و نه هم - چنان‌که باید - ارزش‌های مدرن را. اکثریت این طیف‌ها به چیزی جز منطق اقتصادی و شعارهای میان‌تهی خویش تعهد ندارند. از همین جاست که آنان گاه بر سنت می‌تازند و زمانی هم در توجیه فعالیت‌های خویش به سنت‌های تاریخی و دینی پناه می‌گیرند. برخوردهای دوگانه و نامضبیط آنان باعث می‌شود تا فهم و تحلیل این گروه‌ها با دشواری مواجه شود. عدم خوانش مشخص از حقوق زن و ناپیکنوختی - که عمدتاً ناشی از ناآگاهی و کم سوادی است - در نوع نگرش به حقوق زنان، آسیب دیگر اما قابل توجه این گروه‌هاست.

ناآگاهی و کم سوادی، عمده‌ترین چالش کار فعالین حقوق زن به شمار می‌آید. آنان شعارهایی سر می‌دهند که از ماهیت آن ناآگاهانه. شعار آن‌ها در باب «تساوی جنسیتی» نگاه مردسالار به تاریخ «تمایزات فیزیولوژیک، زیست‌شناختی و روان‌شناختی میان زن و مرد» و مسایلی از این دست، محققانه و ژرفاندیشانه نیست، بلکه دایر بر افواهاتی‌ست که از این و آن شنیده‌اند. شعار برابری جنسیتی و سپس تکیه بر تجربه تاریخی اسلام و فقه سنتی چندان سازگار نمی‌افتد. همین مسأله است که به تناقض‌گویی می‌انجامد و یافتن مسیر آن‌ها را سردرگم می‌گذارد.

برابری جنسیتی

بحث روی برابری جنسیتی میان زنان و مردان از بنیاد با دیدگاه‌های انسان‌شناسانه ما پیوند دارد. نوع نگرش‌ها به انسان است که نوعیت و دایره حقوق زنان بر مبنای آن ترسیم می‌شود. در نگرشی که تمامی تفاوت‌های زن و مرد را به عوامل بیرونی، شرایط فرهنگی و تاریخی ارجاع می‌دهد، سعی در راه برابرسازی حقوق زن و مرد توجیه انسان‌شناسانه‌ی برمی‌دارد. اما در نگره‌هایی که به تفاوت‌های بنیادین زن و مرد انگشت می‌نهد و آن دو را دو جنس متفاوت نه، بلکه دو نوع متفاوت به حساب می‌آورد، سخن از حقوق انسانی زنان بی‌معناست. در این میان، نگرش تعامل‌گرایانه‌ی نیز وجود دارد که زن و مرد را در ارزش وجودی شریک می‌انگارد و با این وجود، از تمایزات و تفاوت‌های آنان نیز سخن می‌راند. در این رویکرد، مسأله عدالت بیش از تساوی اهمیت می‌یابد و حقوق و مکلفیت‌های زن و مرد متکی بر استعداد و توانایی‌های آنان تعیین می‌شود. از رویکرد اول به تقابل‌گرایی، از دوم به تساوی‌گرایی و از سومی نیز به تعامل‌گرایی تعبیر شده است.

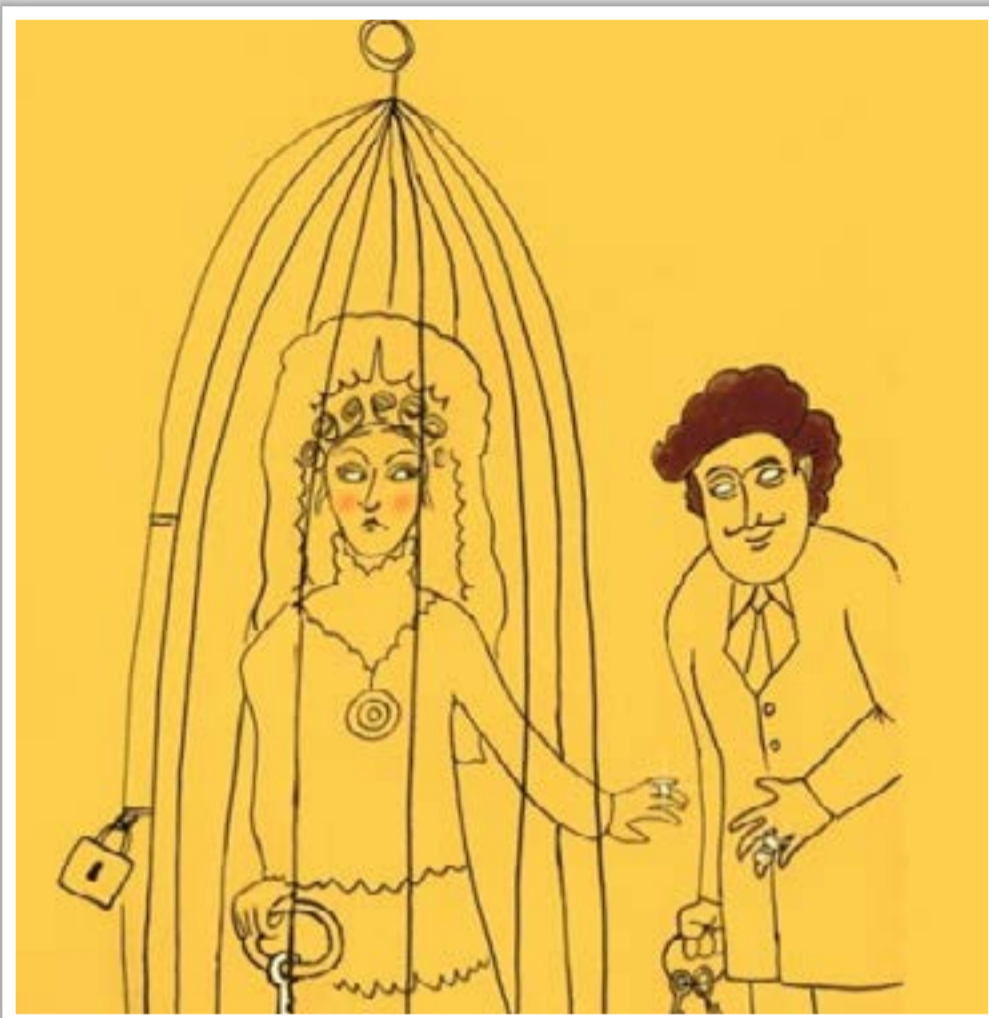
پارادایم تقابل‌گرا

پارادایم تقابل‌گرا بر پایه نگرشی استوار است که مرد و زن در برابر هم قرار می‌گیرند و به دو جنس برتر و فروتر تقسیم می‌شوند. این رویکرد با انگشت‌نهادن بر تمایزات زیست‌شناختی، روان‌شناختی و فیزیولوژیک زن و مرد، زن را موجودی فروتر از مرد و کمین‌گاه تقوا و منبع شر معرفی می‌کند. زن هم در مسیحیت و هم در یهودیت به عنوان مسوول گناه نخستین آدم معرفی شده است و رنج حمل و تسلط مرد بر او نیز به عنوان کفاره این گناه بزرگ او خوانده می‌شود. این در حالی‌ست که قرآن کریم از لغزش آدم و حوا سخن می‌گوید [بقره: ۳۶] و خطای واقع‌شده را متعلق به هر دوی آن‌ها می‌داند.

تورات یهودیان، زن را حین قاعده‌گی تا هفت روز نجس می‌شمارد و در روز هفتم باید برای کفاره نجاست خویش دو فاخته را گرفته و نزد کاهن یکی از آن دو را قربانی کند و دیگری را بسوزاند. در دین یهودیت شهادت صد زن معادل شهادت یک مرد به حساب

در یک اتاق خواب نمی‌خوابیدند و این مسأله یکی از آموزه‌های دینی آن‌ها به شمار می‌رفت. مسیحیان دست‌یابی به نجات و تقوا را در عدم ازدواج و آمیزش با زنان می‌دیدند. روحانیون مسیحیت نیز عدم ازدواج با زنان را نشانه تقوا و پرهیزگاری قلمداد می‌کردند و تمام زنده‌گی مجرد می‌زیستند. مصریان هرساله هنگامی که سطح آب دریای نیل بالا می‌آمد، یکی از زیباترین دختران‌شان را آراسته کرده به دریای نیل می‌انداختند، تا آب آن فروکش کند؛ در جزیره‌العرب نیز زن‌ها وضع و حال بهتر از این نداشتند. قرآن کریم از زنده به گور کردن نوزادان دختر، [تکویر: ۹] ناراحتی شدید اعراب حین خیر یافتن از تولد دختر [نحل: ۸۵] و فرهنگ‌های نامیمونی از این دست سخن می‌گوید که نشان از ذهنیت عمومی تقابل‌گرا دارد.

فروتربینی زن نه فقط در میان ادیان، بلکه در اندیشه فیلسوفان نیز رخنه کرده بود. افلاطون علی‌رغم آن‌که با تهوّر فراوانی از استعداد‌های مشابه زن و مرد سخن می‌راند و از حقوق زنان پشتیبانی می‌کرد، زن را به لحاظ روحی و دماغی ضعیف‌تر از مرد می‌دانست و خدا را بابت این‌که مرد آفریده شده است، سپاس می‌گفت. مظهری از او نقل می‌کند: «خدا را شکر می‌کنم که یونانی زاینده شدم نه غیر یونانی، آزاد به دنیا آمدم نه برده، مرد آفریده شدم نه زن». در دولت-شهرهای یونان برای زن حق رأی نمی‌دانند و آنان را در ردیف برده‌ها و کودکان می‌دانستند. دیدگاه افلاطون در باب زنان با توجه به پارادایم مسلط آن زمان بسیار همدلانه‌تر است. اما ارسطو که با تعصبات روزگار خودش سازگاری بیشتری دارد، برای زنان حق مشارکت در میادین عمومی قابل نیست و معتقد است آن‌جا که طبیعت از آفریدن مرد ناتوان است، زن را می‌آفریند.



تیوری حقوق زن و فقدان تساوی

و غیرطبیعی در باب چنین تمایزاتی تکیه می‌کند. در این رویکرد، به تمایزات موجود میان مرد و زن به عنوان یک واقعیت اعتراف می‌شود، اما با غیر طبیعی دانستن آن سعی می‌شود تا برابری میان این دو جنس برقرار شود. تساوی‌گراها معتقدند که زن و مرد هیچ نوع تفاوت زیست‌شناختی و روان‌شناختی واقعی ندارند، بلکه این تفاوت‌ها محصول عوامل بیرونی، اجتماعی و تاریخی است.

پارادایم تساوی‌گرایی همان فمینیسم است که انواع و اشکال مختلفی به خود گرفته است. فمینیسم در واقع انتقاد کلی از روابط اجتماعی‌ی‌ست که «سلطه‌جویی» و «سلطه‌پذیری»‌ی‌ را که عامل آن جنسیت باشد، آماج قرار می‌دهد. فمینیسم چنان از تنوع و ناپیکسانی برخوردار است که حتی برخی‌ها از ظهور «فمینیسم علیه فمینیسم» سخن گفته‌اند. کتاب ولستون گرافت زیر عنوان «اثبات حقوق زن» را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ فمینیسم در نظر آورد که از آن به منزله اعلامیه استقلال فمینیستی یاد شده است. کتاب «جنس دوم» سیمین دوبوار که از فمینیست‌های آگزیستانسیالیست به حساب می‌آید، یکی از پرتأثیرترین آثار فمینیستی سده بیستم به حساب می‌آید. در رویکردهای فمینیستی بیش از عدالت بر تساوی تأکید می‌شود و تنها رفتارهایی عادلانه شمرده می‌شود که بر بنیاد برابری میان زن و مرد استوار باشد.

فمینیست‌ها با نفی تمایزات واقعی میان زن و مرد، رفتارهای دوگانه را تبعیض‌آمیز می‌خوانند و به چیزی جز برابری قناعت ندارند. فمینیسم از این منظر، نه تنها بر برابری در برابر قانون پای می‌فشارد، بلکه افزون بر آن، از برابری در قانون نیز سخن می‌زند و سعی دارد تساوی حقوق زن و مرد در متن قوانین نیز تسجیل یابد.

جالب‌تر این‌که، ملاصدرای شیرازی نیز علی‌رغم همه تأکیداتی که قرآن و روایات بر جایگاه و ارزش انسانی زن دارد، زنان را هم‌ردیف چارپایان می‌دانست و ملاحظاتی سبزواری نیز در تفسیر نظریه او دست به دامن توجیه زده است. از نصیرالدین طوسی نیز نقل شده است که «فرزندان باید از مخاطبه عوام و کودکان و زنان و دیوانه‌گان و مستان تا توانند احتراز کنند». راغب اصفهانی نیز در «محاضرات الأدبا» زنده به گور کردن دختران را بزرگ‌منشی می‌داند.

این رویکرد در اوج عصر خردگرایی نیز فروکش نکرده است و فیلسوفانی همواره وجود داشته‌اند که جنسیت را مبنای داورهای ارزشی خویش قرار داده‌اند. اوتو واینیگر می‌گوید بی‌روح بودن زنان را ثابت کند و شوپنهاور بدبین، بر ناقص‌الخلقه بودن زن انگشت می‌گذارد. نیچه معتقد است که «پیش‌زنان می‌روی، تازیانه را به یاد داشته باشد!» و ظاهراً همه بر برتری خویش به عنوان یک مرد می‌بالند.

پارادایم تقابل‌گرا به جنسیت نگاه ارزشی دارد و زنان را جنس دوم و ثانوی در نظر می‌آورد. این رویکرد که متأسفانه در ادیان و فلسفه‌های بسیاری راه باز کرده است، توسط اسلام پشتیبانی نمی‌شود و اسلام با تکیه بر ارزش وجودی یکسان زن و مرد، نفی تبعیض علیه زنان و توجه به عدالت، تقابل‌گرایی را بر نمی‌تابد.

پارادایم تساوی‌گرا

پارادایم تساوی‌گرایی را می‌توان نقطه مقابل «تقابل‌گرایی» به شمار آورد. در پارادایم تقابل‌گرا تفاوت‌های بنیادینی میان زن و مرد وجود دارد که در سه دسته زیست‌شناختی، روان‌شناختی و فیزیولوژیک قابل دسته‌بندی است. پارادایم تساوی‌گرا چنین تمایزاتی را صوری و غیرطبیعی می‌انگارد و عمدتاً بر عوامل بیرونی

مرتضی مطهری: نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۶۶

ویل دورانت: لذات فلسفه، ص ۱۴۸

محمد حکیم‌پور در صفحه ۱۲۴ به نقل از اسفار اربعه، ج ۷، ص ۱۳۶

بشیر احمد انصاری: ماکسیمتیم اینجا کجاست، ص ۹۷-۹۸

ویل دورانت، ص ۱۴۹

محمد حکیم‌پور در صفحه ۱۲۱-۱۲۲ کتاب حقوق زن درز کشاکش سنت و تجدد به نقل از: تورات سفر لوائیان، باب پانزدهم، آیات: ۱۰، ۱۱،

۲۸ و ۳۱

تورات، سفر جامعه، باب هفتم، آیه: ۲۶

ویل دورانت: لذات فلسفه، ص ۱۴۸-۱۴۹

تعمیق شکاف بین افغانستان - پاکستان



منبع: تریبون
نویسنده: رستم شاه مومند، وزیر داخله پیشین
پاکستان و سفیر آن کشور در افغانستان
برگردان: احمد نظر جهانگیری

بستن دروازه تورخم و منع ورود افغانها به پاکستان بدون داشتن اسناد قانونی، همواره انشعاب چندبعدی در رابطه بین دو کشور به همراه داشته و باعث تنشهای مرزی شده است. منطق تصمیم ما برای محدودیت ورود افغانها به پاکستان ساده است: نسبت دادن افغانها به تروریسم و این که منافع ملی ایجاب می کند تا پالیسی مقید روی دست گرفته شود و از ورود افراد بدون اسناد جلوگیری شود.

فراموش نشود پاکستان با داشتن ۲۲۵۰ کیلومتر سرحد با افغانستان، ۲۳۵ راه ورودی و خروجی فرعی دارد. تنها امور گمرکی و مهاجرت، در تورخم و چمن امکان پذیر است. افرادی که قصد دهشت افکنی را دارند، ابلهی ست که از مسیر تورخم و چمن بگذرند و خود را در محراق دستگیری مقامات سرحدی دو

کشور قرار دهند. دهشت گران و حامیان شان ترجیح می دهند که مسیر مناسب تری را برای ورود به پاکستان انتخاب کنند. در ثانی، حقایق محکم نشان می دهد که در ۱۰ سال گذشته، تنها یک درصد اتباع افغانستان در حملات دهشت افکنانه در پاکستان نقش داشته اند. بیشترین حملات توسط اتباع پاکستانی در خود پاکستان سازمان دهی شده و یا هم توسط پاکستانی هایی انجام یافته که در افغانستان پناهگاه های امن دارند.

عوامل دیگری هم از جمله منابع قابل بحث اند: آیا ما نیروی انسانی، فضا و امکانات کافی در دسترس داریم که روزانه ۱۰۰۰۰ ویزه را بررسی کنیم، آن هم در موقعیتی مانند تورخم و گذرگاه خیبر، جایی که صدها عراده موتر در دو سوی مرز توقف می کنند تا اسناد خود را طی مراحل نمایند؟

جنجال های اخیر مرزی در تورخم بدون شک دشمنی و نفرت را میان مردم دو طرف سرحد به وجود می آورد. حال آن که دشمنی با افغانستان عواقب درازمدت خطرناک و منفی را برای پاکستان - با در نظر داشت طیف وسیعی از پروژه های بزرگ و استراتژیک همانند

کاسا ۱۰۰۰ و تاپی که در جریان است - به همراه دارد. سرنوشت دهلیز اقتصادی چین - پاکستان که از ضرورت های بنیادی کشور محسوب می گردد، به طور غیر مستقیم تحت فشار قرار می گیرد. ضرورت است که مدیریت موثر بیشتر در سرحد بین افغانستان - پاکستان ایجاد گردد. با توجه به این که اسلام آباد نتوانسته رابطه کاری خوب و مثبتی را با دهلی جدید آغاز نماید و در سرحدات خود با ایران در حال کندن گودال است، تنش سرحدی با افغانستان تنها باعث تعمیق احساسات ضد پاکستانی در آن کشور می گردد.

آیا منافع ما ایجاب می کند که خود را در سطح جهان منزوی بسازیم و تصویری ارایه بدهیم که توان همزیستی با همسایه های خود را نداریم؟

در عین زمان، تشنج مرزی، پیامدهای بزرگی برای پاکستان به همراه دارد، بیشتر از ۱۵۰۰۰۰ پناهنده پاکستانی بعد از عملیات نظامی در قبایل، با عبور از مرز بدون مشکل در ولایت خوست افغانستان جابه جا شده اند. همچنان نزدیک به ۱۵۰۰۰۰ کارمند مجرب پاکستانی اکثراً بدون اسناد در افغانستان زنده گی می کنند. این جا اقوامی در دو سوی مرز وجود دارند که توسط خط دورند از هم جدا شده اند. مطابق معاهده یی که بین افغانستان و هند برتانوی در سال ۱۹۰۵ به امضا رسید، افرادی که در فاصله ۵ مایلی دو طرف سرحد بود و باش داشته باشند، بدون اسناد و موانع می توانند دو سوی خط عبور و مرور کنند. از دید افغانها، این معاهده بین افغانستان و پاکستان تا هنوز الزامی است. احساسات ضد پاکستانی افغانها که جانشین هند برتانوی شده است، دلایل مختلف دارد.

مطابق آخرین نظرسنجی عمومی در افغانستان، محبوبیت پاکستان به اندازه ۳,۶ درصد سقوط کرده است. آیا وقت آن نرسیده که بیدار شویم؟

در ارتباط به موضع مهاجرین افغان و دستگیری چند جاسوس در کوئته، تحلیل گران خواهان اخراج اجباری مهاجرین شده اند. اولین فردی که این بحث را آغاز کرد، وزیر داخله ایالت بلوچستان بود. او گفت در

صورتی که مهاجرین پاکستان را فوراً ترک نکنند، تحقیر و به زور از پاکستان اخراج خواهند شد. صرف نظر از شیوه و لحن گفتار وزیر داخله ایالت بلوچستان، چیزی را که او و دیگران تا حال درک نکرده اند این است که مهاجرین از مناطق ناامن افغانستان آمده اند و در آن جا تأسیسات مانند مکتب، سرک و شفاخانه وجود ندارد. با از بین رفتن خانه های شان، مهاجرین جایی برای رفتن ندارند. در همین حال، بازگشت داوطلبانه افغانها همواره به کشورشان ادامه داشته است. به طور اوسط تقریباً ۲۰۰۰۰ افغان ماهانه به کشورشان برمی گردند، در حالی که ۳۰ سال اینجا زنده گی کرده اند. آیا به زور آن ها را بیرون کنیم و نفرت و انزجار بیشتری را علیه پاکستان متحمل شویم؟ آیا اخراج مهاجرین بدون خواهش خودشان مطابق قوانین بین المللی است؟ آیا این کار بذر دشمنی درازمدت با پاکستان را زرع نمی کند؟

وقتی سوال مهاجرین غیرقانونی به میان می آید در حالی که ما نتوانسته ایم سند مهاجرت آن ها را آماده و ثبت کنیم، چرا به خاطر ضعف ساختاری ما آن ها مجازات شوند؟

همه روزه مهاجرین بی گناه، بیشترین دست فروشان کنار جاده و فقرا که سالها در پاکستان زنده گی کرده اند، توسط پولیس بازداشت و تحقیر می شوند بدون در نظر گرفتن قانون و عدالت و بدون توجه به این که این افراد تنها نان آور خانواده های فقیر خود می باشند.

در حالی که هر کشور حق دارد با آوردن سیستم های جدید از مرزهای خویش محافظت کند، بهتر این است موافقت بین دو طرف وجود داشته باشد. تصامیم ما همواره گذرا و ناشی از نگرانی های امنیتی بوده و به منافع درازمدت استراتژیک توجه صورت نگرفته است. قبل از این که دیر شود، ضرورت به ارزیابی تازه بین دو طرف محسوس است!

احمد عمران

رد فرمان تقنینی اصلاح نظام انتخاباتی از سوی مجلس نماینده گان چیزی نبود که نشود آن را از قبل پیش بینی کرد. تقریباً همه دست اندرکاران مسایل انتخاباتی به ضرس قاطع می دانستند که یک پار دیگر فرمان اصلاحات به بن بست می خورد و عملاً در کار انتخابات گره های تازه یی به وجود می آید. گویا چنین مقدر شده و یا بهتر است گفته شود چنین زمینه سازی شده که معضل انتخابات در کشور همچنان باقی بماند؛ گاهی ریاست جمهوری توپ را وارد خانه ملت سازد و گاه نیز از آن جا دوباره به صحن ریاست جمهوری «شوت» شود. حالا اما به نظر می رسد که مشکل انتخابات در کشور، بیش از هر زمان دیگری به مشکل حیاتی تبدیل شده است. گویا اراده لازم در قوای سه گانه کشور برای تحکیم مردم سالاری و تأمین عدالت به وجود نیامده است.

جالب این جاست که پس از رد فرمان تقنینی، مجلس سنا از عدم مشروعیت مجلس نماینده گان سخن گفت و کمیسیون های انتخاباتی با استقبال کم نظیر از رد فرمان تقنینی، آماده گی خود را برای اعلام تقویم انتخاباتی نشان دادند. این مسایل هر چند تصادفی به نظر می رسند، ولی در واقعیت امر، تصادفی نیستند و مطابق برنامه های از پیش ساخته ادامه می یابند.

ریاست جمهوری کشور هر چند پس از رد فرمان تقنینی با گلابه نسبت به مجلس نماینده گان برخورد کرد و از گزینه های دیگر برای ایجاد اصلاحات اطمینان داد، ولی فکر نمی شود که به این زودی ها بتوان به بن بست اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور پایان بخشید؛ زیرا بن بست اصلاحات، محصول اتاق های فکر برخی نهادهای کشور می تواند باشد که منافع خود را در اصلاح نظام انتخاباتی از دست می دهند. شاید یکی از دلایل رد فرمان تقنینی از سوی مجلس نماینده گان نیز همین مسأله باشد که در داد و ستدهای کلان، سهم چندانی برای خود متصور نبودند.

برخی از اعضای مجلس به صراحت به این مسأله اشاره کرده و از زد و بند هایی پرده برداشته اند که بر سر مسایل انتخابات در کشور جریان دارد. آیا واقعا میان ارگ، کمیسیون های انتخاباتی و برخی نماینده گان مجلس بر سر اصلاح نظام انتخاباتی توافق های پشت

پشت پرده رد فرمان تقنینی



گونه تصادفی نهادهایی را به وجود آورد و وقتی دید که به مشکل قانونی برخورد اند، به کار آن ها پایان داد؟ اگر واقعا چنین باشد که احتمال نمی رود، باید از فاجعه مدیریت سیاسی در کشور سخن گفت که نمی تواند وضعیت را برآورد کند و متناسب به شرایط و ظرفیت های موجود، اقدام هایی را صورت دهد. مسلماً اصلاح نظام انتخاباتی با بن بست مواجه نشد؛ بل به بن بست برده شد و در این مورد، بدون کمترین شکی دست ارگ، مجلس نماینده گان و کمیسیون های انتخاباتی در یک کاسه کاملاً مشهود است.

هست، بدون شک در زد و بندهای نانوخته میان سه نهاد یعنی ارگ، مجلس نماینده گان و کمیسیون های انتخاباتی نهفته است.

مسأله سوال برانگیز دیگر اما ایجاد کمیسیون و کمیته اصلاح نظام انتخاباتی و گزینش است که پس از مدتی کار آن ها بدون آن که مورد توجه لازم قرار گیرد، به محاق فراموشی سپرده شد. یکی پس از این که کارهایی در عرصه بهینه سازی نظام انتخاباتی کشور انجام داد، به تعطیلی رفت و دیگری پس از برگزاری چند نشست مقدماتی ملغاً ساخته شد. آیا این مسایل به صورت تصادفی اتفاق افتاد و ریاست جمهوری کشور بدون آن که در این مسایل دخل و تصرفی داشته باشد، به

پرده صورت گرفته است؟ در این مورد با قاطعیت نمی توان سخن گفت، ولی قرائن و شواهد همه از چنین وضعیتی سخن می گویند. وقتی ریاست جمهوری و ریاست اجرایی نمی توانند فهم دقیق و درستی از اصلاح نظام انتخاباتی ارایه کنند، بدون شک باید با سوء ظن به مسایل نگاه کرد. هنوز این دو پایگاه اصلی قدرت در کشور موفق نشده اند که قوه مقننه را به پذیرش این اصل اساسی وادار کنند که اصلاح نظام انتخاباتی، یک بحث تجملی و خودخواسته نیست که بشود آن را به زمان و وقت دیگری موکل کرد.

مسأله اصلاح نظام انتخاباتی، از مهم ترین بخش های توافق نامه سیاسی در کشور است که بر اساس آن، دولت وحدت ملی به وجود آمده است. این مورد به نظر می رسد برای ریاست جمهوری و کمیسیون های انتخاباتی کشور، چندان توجه برانگیز نمی نماید و این نهادها همچنان بر درستی روند انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته پافشاری دارند. رییس جمهوری کشور هر چند در پرنسیب اصلاحات انتخاباتی را می پذیرد، ولی همواره به گونه یی عمل می کند که از اجرایی شدن آن جلوگیری شود. آیا ریاست جمهوری نمی دانست که پس از رد نخستین فرمان تقنینی در مورد اصلاحات انتخاباتی، امکان دارد مجلس برای بار دوم آن را به بن بست بکشد؟ آیا در صحبت با اعضای مجلس نماینده گان که چند روز پیش از رد فرمان تقنینی در ارگ ریاست جمهوری صورت گرفت، بحث اصلاحات به عنوان یک ضرورت غیر قابل تعدیل مطرح نشد؟ از سوی دیگر، چرا ریاست جمهوری کشور نمی خواهد در این خصوص به توافق نامه سیاسی به عنوان اصلی ترین سند مشروعیت دولت فعلی اشاره داشته باشد و توافق نماینده گان را به دست آورد؟

این سوالها بدون پاسخ مانده اند و هر چیزی که

فیسبک نامه

نقیب الله فایق



قرایی را در یابید

از فاجعه سقوط قرایی ولسوالی المار فاریاب، در سال گذشته همه خبر دارد، دیشب این منطقه حاکم و مهم بار دیگر کاملاً به دست طالبان افتاد. بیش از دوصد مسلح و صدها فرد ملکی در تاریکی شب از میان کوه‌ها و دره‌ها فرار کرده خود را به قیصار رساندند. از شمار دیگری هنوز معلومات در دست نیست. دیشب، سکوت شب در کوه‌های المار و قیصار، با ناله زنان و کودکان و فریاد «یا خدایا نجات بده!» شکسته شد. راه موتر برای برگشت وجود نداشت، تمامی وسایط «تانگ و رنجر» به دست طالبان افتاد. در عین‌زمان، دیشب در قسمت دیگری از المار، دو قومندان محلی حکومتی، به‌خاطر افزایش قدرت محلی‌شان، قریه‌های هم‌دیگر را تا صبح آوان‌کاری کردند. در فاریاب و در شمال، توطئه‌کلان در راه است. «باز جلال‌آباد و قهرمانان وزرای امنیتی، خفه نشوند که تو مأمور حکومت را به‌غم و اندوه مردم چی»

سمیر رسا



ما اگر در میدان نبرد برنده شدیم، در میدان سیاست باختیم...

با تمام هیاهوی که در جنگ تورخم برآه انداختیم، اما دیده می‌شود که پاکستان دروازه خود را در مرز تورخم خواهد ساخت. پاکستان بارها نشان داده است که در میدان سیاست به مراتب قوی‌تر از افغانستان است. جنگ تورخم به ما آموخت که در عرصه جهانی تنها از پاکستان هستیم؛ زیرا هیچ کشوری به‌خاطر تیره‌ساختن روابطش با پاکستان از افغانستان دفاع نکرد، حتا آمریکا که پیمان استراتژیک امنیتی با ما دارد، زیرا پاکستان برای ساخت دروازه‌اش، ادعای داشتن سندی را دارد که سفیر افغانستان در پاکستان در پای آن امضا کرده است. در صورت که پاکستان به‌هدف‌اش در ساخت دروازه در تورخم برسد، دو رهبر مسوول پاسخ‌گویی خون‌سریازان و احساسات مردم هستند. از سوی دیگر، بعد از این به‌حرف‌های رهبران جهادی در قبال پاکستان هم باور نمی‌شود، چون آنان مهرسکوت بر لب بسته بودند و تنها به کمته‌های فیس‌بوکی بسنده کردند. پ.ن: سربازان ما قوی‌تر از سیاسیون ما هستند و آنان قبل از تکیه برکرسی سیاست، بهتر بود اول سرباز می‌شدند.

عبدالحی خراسانی



آقای رئیس‌جمهور، لطفاً تجدید نظر کنید!

آیا حضرت‌عالی مطلع هستید که منجم شهیر و ریاضی‌دان برجسته امپراتوری سلجوقیان، حکیم ابوحاتم مظفر بن اسماعیل اصفزاری (۴۲۷-۵۰۶ قمری) اخترشناس، صاحب کتاب آثار علوی، فرزند فرزانه «اصفزار یا سبزواری» می‌باشد. حکیم اصفزاری همان کسیست که بنا به دعوت خواجه نظام‌الملک وزیر دانشمند عصر سلجوقی همراه با حکیم عمر خیام تقویم جلالی را بنیان نهادند و اعتدال بهاری را محاسبه کردند و تقویم اسلامی ما مدیون این بزرگ مرد می‌باشد. رصد خانه علمی او حداقل چهارصد سال قبل از اروپا احداث شد.

جناب رئیس‌جمهور!

اگر فردا ایران یا ازبیکستان در یونسکو مدعی ثبت کتاب ستاره‌شناسی «علوی» به‌عنوان اولین تحقیق ستاره‌شناسی گردند؛ آیا شما دوباره مانند اتفاق مثنوی عکس‌العمل نشان نمی‌دهید، حتماً این کار می‌کنید!

جناب آقای رئیس‌جمهور!

امروز که قرار است شبنند «اصفزار-سبزواری» به پنج شهرستان تقسیم گردد، دستور دهید تا حداقل نام دو ولسوالی را به‌نام‌های «اصفزار» و «سبزواری» نام نهند.

نگذارید نام‌های نام‌آشنای دانشمندان و مفاخر تمدن و فرهنگ و تاریخ ما را دیگران برابیند.

احیای نام‌های تمدنی و تاریخی برای نسل جوان ما غرورانگیز و افتخارآفرین می‌باشد و سبب تراکم انگیزه مثبت جهت کسب علم و دانش می‌گردد.

خدا کند درست نباشد نام‌های را که من شنیده‌ام اگر درست باشند، برای هرات و اصفزار ننگ و برای عصر حکومت شما نشان عدم درک درست از تاریخ و تمدن کهن‌ماست.

گفته می‌شود این اسامی را نام‌نهادند:

«شیندند، زیر کوه، پشت رود، زاوول و کوه زور»

آیا واقعاً در شورای امنیت ملی افغانستان یک آدم با سواد پیدا نمی‌شود تا اسامی شهرستان‌های جدید را حداقل در شأن تاریخ و تمدن خراسان نام نهند!

آقای رئیس‌جمهور!

این اصفزار زادگاه ده‌ها دانشمند و عالم نام‌آشنای تاریخ می‌باشد، لطفاً در ثبت اسامی تجدیدنظر کنید. امیدوارم دوستان نزدیک به ارگ و کاخ سپیدار این موضوع را به‌سمع و نظر رهبران حکومت وحدت ملی برسانند.

مک کین:

اوباما مسوول مستقیم تیراندازی اورلاندو است

یک سناتور جمهوری‌خواه آمریکا گفت: باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا مستقیماً مسوول تیراندازی گسترده در اورلاندو واقع در ایالت فلوریدا است. جان مک کین، سناتور جمهوری‌خواه آمریکایی روز گذشته در سخنانی تأکید کرد: باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا مسوول مستقیم تیراندازی گسترده در اورلاندو است چرا که ظهور داعش زیر نظر رئیس‌جمهور آمریکا بوده است.

او در ادامه تصریح کرد: منظور من این نیست که رئیس‌جمهور شخصاً مسوول است. اشاره من به تصمیمات امنیت ملی باراک اوباما است، نه خود شخص رئیس‌جمهور.

مک کین که در سال ۲۰۰۸ میلادی در انتخابات ریاست جمهوری در مقابل اوباما شکست خورد، این سخنان را در حالی بیان کرد که اوباما در اورلاندو حضور داشت تا با خانواده‌های قربانیان تیراندازی روز یکشنبه دیدار و گفت‌وگو کند.

مک کین در سخنانی در سنا تأکید کرد: باراک اوباما مستقیماً مسوول این حادثه است، چرا که زمانی که همه نیروهای نظامی را از عراق خارج کرد، القاعده به سوریه رفت، داعش تشکیل شد و داعش چیزی است که نتیجه شکست سیاست‌های امنیت ملی اوباما بوده است، به واسطه خروج نیروهای نظامی از عراق.

او افزود: بنابر این، مسوولیت این حادثه مستقیماً با باراک اوباما و سیاست‌های شکست‌خورده او است. پس از وقوع تیراندازی مرگ‌بار اورلاندو، دونالد ترامپ نیز به‌شدت سیاست‌های باراک اوباما را به باد انتقاد گرفت. بامداد روز یکشنبه فردی به نام عمر متین که یک شهروند آمریکایی افغانی‌تبار است با تیراندازی در یک باشگاه شبانه در شهر اورلاندو منجر به کشته‌شدن ۴۹ نفر و زخمی شدن ۵۳ نفر دیگر شد.

فرد مهاجم پس از درگیری با پولیس آمریکا کشته شد. پولیس آمریکا با پیداکردن تجهیزات نظامی از فرد مهاجم، اعلام کرد که این حمله تروریستی بوده است.

بسیاری از خبرگزاری‌ها و سایت‌های تحلیلی آمریکا این حادثه را بدترین و مرگبارترین حادثه تیراندازی در تاریخ آمریکا عنوان کرده‌اند.

مدال پوتین به دبیر کل سازمان ملل

رئیس‌جمهور روسیه مدال دوستی ملل را به دبیر کل سازمان ملل متحد اهدا کرد.

روسیه دبیر کل سازمان ملل را برای خدمات ویژه در تحکیم صلح و دوستی، روح همکاری و تفاهم بین ملت‌ها، لایق دریافت نشان دوستی ملل دانسته است.

بان کی مون در این مراسم ضمن تجسید از اقدام‌های پوتین برای حل مسایل جهانی گفت: اکنون در آخرین سال دبیرکلی هستم و از این فرصت برای تشکر از تلاش‌های رئیس‌جمهوری روسیه در عرصه بین‌المللی قدردانی می‌کنم. او افزود: روسیه به‌عنوان عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل از صلح و ثبات بین‌المللی دفاع می‌کند.

در این دیدار هم‌چنین مسایل مربوط به اوضاع سوریه مطرح شد.

دبیر کل سازمان ملل در هفته گذشته به دلیل پذیرش فشار عربستان سعودی و گروه ایتلاف وابسته به این کشور در حذف نام عربستان از فهرست گزارش سازمان ملل به‌عنوان مرتکبین جنایت علیه کودکان و غیرنظامیان در یمن، به‌عنوان فروشنده اعتبار این سازمان در قبال دریافت دالره‌های نفتی مورد انتقاد شدید قرار گرفته است.

نشست بین‌المللی اقتصادی سن پترزبورگ روسیه با حضور ۸۰۰ هیات دولتی و غیر دولتی از کشورهای مختلف جهان دیروز با حضور هیأت جمهوری اسلامی ایران گشایش یافت.

روایت ضد و نقیض بازی فوتبال افغانستان و تاجیکستان



تلویزیون ورزش تاجیکستان درحالی از انجام بازی دوستانه بین تیم ملی فوتبال افغانستان و تاجیکستان خبر داده که هنوز فدراسیون فوتبال کشور واکنشی به آن نشان نداده است.

یک روز پس از آنکه وبسایت گل از زبان مقامات فدراسیون فوتبال مالزی از انجام صحبت‌های اولیه بین این فدراسیون و فدراسیون فوتبال افغانستان درخصوص انجام یک مسابقه دوستانه خبر داد، تلویزیون ورزش تاجیکستان نیز شب گذشته خبر از برگزاری مسابقه دوستانه بین تیم‌های افغانستان و تاجیکستان را داده است.

به گزارش این تلویزیون، این مسابقه قرار است روز اول سپتامبر در ورزشگاه «میتالورگ» شهر «تورسن‌زاده» برگزار شود.

به‌نظر می‌رسد که تنها صحبت‌های ابتدایی با فدراسیون‌های فوتبال مالزی و تاجیکستان شده است و هنوز این مسابقات نهایی نیست.

این درحالی است که مقامات ورزش افغانستان نیز تاکنون هیچ واکنشی به این خبر نشان نداده‌اند. باید دید فدراسیون فوتبال افغانستان در تنظیم کدام یک از رقابت‌های دوستانه برای شاگردان شگرت موفق خواهد بود.

انتظار می‌رود تاجیکستان با توجه به ۲ پیروزی مقابل بنگلادش، در جدول رده‌بندی ماه آینده فیفا صعود کند و به‌همین دلیل، مسابقه افغانستان با این تیم می‌تواند امتیازات خوبی نصیب افغانستان کند.

مارادونا:

باید فیفا را با بمب منفجر کرد!



ستاره پیشین آرژانتین معتقد است که باید فیفا را با بمب منفجر و همه چیز را از صفر شروع کرد.

دیگو آرماندو مارادونا، در گفت‌وگو با رادیو مترو به انتقاد از فدراسیون فوتبال آرژانتین (AFA) و سبب بلاتر پرداخت و درباره لیونل مسی صحبت کرد.

ستاره پیشین آرژانتین درباره AFA «فدراسیون فوتبال آرژانتین» گفت: با صحبت‌های دونفوریو که گفته بود باید در AFA بمب گذاشت و از صفر شروع کرد، موافقم. این سازمان چیزی جز یک خانه شهری نیست. باید بررسی‌های زیادی کرد و به دنبال راه‌حل‌های مناسبی گشت تا از این وضعیت خارج شود و سپس به انتخابات و برگزیدن رئیس برای این سازمان فکر کرد.

مارادونا درمورد مسی گفت: مسی شخصیت خاص خودش را دارد و نمی‌توان شخصیت کسی را عوض کرد. می‌خواهند میان مارادونا و مسی جنگ راه بیاندازند. در جام جهانی خیلی باهم صحبت کردیم. کارهایش شگفت‌زده‌ام نمی‌کند. واقعیت لئو را کسی نمی‌تواند رد کند. نگران هستم، چون با مسی تیم ملی تحسین‌برانگیزی را معرفی می‌کنیم، اما بدون او آرژانتین تیمی است که تنها می‌تواند پیروز یا مغلوب شود و یا به تساوی برسد. باید این واقعیت را قبول کنیم. به این موضوع در کتابم اشاره کرده‌ام که پس از مسی چه اتفاقی برای تیم ملی خواهد افتاد.

مهاجم پیشین ناپولی در ادامه از فیفا انتقاد کرد و گفت: باید درون فیفا هم چون AFA یک دینامیت پرتاب کرد و از نو همه چیز را شروع کرد. سبب بلاتر چنین شخصیتی نداشت. خولیو اومبرتو گروندونا کسی بود که دزدی را به او یاد داد. در AFA سه فرد مظنون وجود دارند. جوانی اینفانتینو در فیفا خوب کار خواهد کرد و ما باید در آرژانتین از این موضوع الگو برداریم تا فدراسیون فوتبال کشورمان را به جایگاه درخشانی برسانیم. آن مرد نه تنها پول‌های مان را دزدید، بلکه بخشی از تاریخ‌مان را نیز دزدید.

مارادونا در ادامه افزود: اینفانتینو نمی‌تواند باور کند که چگونه گروندونا و بلاتر مانع از ورود به ورزشگاه‌های برزیل شدند. من زنده‌گی‌ام را در زمین فوتبال صرف کردم.

Mandegar

مراد از اصلاحات

در کمیسیون‌های انتخاباتی چیست؟



است که تیم ریاست اجراییه که مدعی نصف قدرت در حکومت است و از خواست‌های اساسی‌اش در سهم‌گیری قدرت، اصلاحات اساسی نظام انتخاباتی بود، در این مورد موضعی ندارد.

رد فرمان تقنینی رییس‌جمهور مبنی بر اصلاحات انتخاباتی از سوی مجلس نماینده‌گان اگرچه که در خوشبینانه‌ترین مورد هم بر اساس این فرمان‌ها، امیدی به اصلاحات واقعی نیست، اما دورنمای مهم و پیچیده‌ی از وضعیت سیاسی کشور به نمایش می‌گذارد.

اکون، پارلمان در خلای قانونی به سر می‌برد، سرنوشت انتخابات پارلمانی، شوراهای ولسوالی و ولایتی نیز به اصلاحات نظام انتخاباتی گره خورده است تا زمینه را برای برگزاری «لویه جرگه» جهت تعدیل قانون اساسی به هدف ایجاد پست نخست‌وزیری در نظام سیاسی کشور، مهیا سازد.

در غیر این صورت، ممکن است که پارلمان کشور یک سال دیگر نیز به فعالیت غیرقانونی خود ادامه داده و وارد سال هفتم کاری خود شود. حال آن‌که مدت زمانی آن در قانون اساسی ۵ سال تعیین شده است و نیز انتخابات شوراهای ولسوالی نیز برگزار نشده و زمینه‌ی قانونی برای تحقق یکی از مواد پیمان‌نامه‌ی سیاسی حکومت وحدت ملی که برگزاری «لویه جرگه» است، فراهم نخواهد شد.

با این حال، رییس‌جمهور وعده داده است که با استفاده از صلاحیت‌هایش، اصلاح نظام انتخاباتی را اجرایی می‌کند. در آینده‌ی نزدیک، رخصتی‌های تاپستانی مجلس نماینده‌گان شروع می‌شود. احتمال آن می‌رود که رییس‌جمهور در این مدت بر اساس صلاحیت‌هایی که قانون برایش تعریف کرده است، بدون رای پارلمان فرمان تقنینی خود را اجرایی کند؛ اما نمی‌توان از این نگرانی چشم‌پوشی کرد که بدون تغییر سیستم انتخاباتی، تنها با تغییر مهره‌ها، به اصلاحات واقعی نظام انتخاباتی نمی‌رسیم و تکرار تجربه‌ی انتخابات‌های گذشته نیز وجود خواهد داشت.

سیستم کنونی انتخاباتی از پرچالش‌ترین مواردی‌اند که ظرفیت بسیار بالایی را در بحرانی‌سازی انتخابات و تقلب‌های انتخاباتی دارند. با توجه به جو حاکم سیاسی - اجتماعی، افراد زورمند به سادگی می‌توانند که تمامی پروسه‌های رای‌دهی را در قبضه‌ی خود بگیرند و نتایج انتخابات را بر خلاف واقعیت، هر آن‌چه که خود خواهند، تغییر دهند. فاکتور مهم در این بخش، مسأله‌ی امنیت است. مناطق ناامن حوزه‌های انتخاباتی، سرچشمه‌ی بحرانی‌سازی انتخابات به حساب می‌آید. مهم‌ترین چالش دیگر در برابر انتخابات که اصلاح نظام انتخاباتی را بر پایه‌ی تغییر چهره‌ها منتفی می‌کند، نبود آمار دقیق واجدان شرایط رای‌دهی در انتخابات است.

اصلی‌ترین خواست در اصلاح نظام انتخاباتی که یکی از مواد پیمان‌نامه‌ی تشکیل حکومت وحدت ملی نیز می‌باشد، سرشماری شهروندان و توزیع تذکره‌ی برقی در کشور است. این مورد در صورت تغییر سیستم انتخابات، با مشخص ساختن واجدان شرایط اشتراک‌کننده در انتخابات و مستحقین رای‌دهی، تقلب را کاهش می‌دهد.

با توجه به موارد فوق در مقایسه به فرمان‌ها و دیدگاهی که رییس‌جمهور بر اصلاح نظام انتخاباتی دارد، گمان نمی‌رود که شاهد یک انتخابات شفاف و حنا انتخابات باشیم. بر این اساس، تنها تغییر چهره‌ها در کمیسیون‌های انتخاباتی بدون تغییرات راهبردی در سیستم انتخاباتی، سرشماری شهروندان و مسایل امنیتی، نظام انتخاباتی به اصلاحات نخواهد انجامید.

موارد چگونگی رای‌دهی، توزیع کارت‌های رای‌دهی انتخابات و سرشماری شهروندان با توزیع تذکره‌ی برقی، فاکتورهایی‌اند که فرمان‌های تقنینی رییس‌جمهور برای‌شان تعریفی آرایه نکرده است. یا به‌صورت دقیق‌تر گفته شود که فرمان‌های رییس‌جمهور برای بازتعریف وظایف و صلاحیت‌های نهادهای انتخاباتی صادر شده‌اند نه برای اصلاح و تغییر سیستم انتخاباتی. جالب اینجا

نسیم ابراهیمی

در گفت‌وگوهای اصلاح نظام انتخاباتی کشور، تا کنون بیشتر به حاشیه‌های آن پرداخته شده است تا این‌که اصل قضیه‌ی اصلاح انتخاباتی مورد بحث قرار گیرد. برخی از تعریف‌های رایج که در مورد اصلاح نظام انتخاباتی ارائه شده‌اند، اصلاحات را بر پایه‌ی تغییر و عزل مسوولان کنونی کمیسیون‌های انتخاباتی می‌دانند و با گزینش چهره‌های جدید، برگزاری یک انتخابات شفاف را ممکن می‌خوانند.

چنین دیدگاه را در فرمان‌های نخست و دوم رییس‌جمهور که به مجلس نماینده‌گان غرض تصویب برای اصلاح نظام انتخاباتی فرستاده شده بودند، به وضوح می‌توان مشاهده کرد. اما در فرمان اول تقنینی رییس‌جمهور غنی، ترکیباتی را که وی در مورد کمیسیون‌های انتخاباتی پیشنهاد کرده بود، از سوی نماینده‌گان مجلس رد و خواستار تعدیل در آن شده بودند؛ ولی فرمان دوم ریاست‌جمهوری را که نماینده‌گان مجلس به دلیل این‌که می‌گفتند این فرمان در زمان مشخصی که قانون برای آن تعریف کرده، به مجلس فرستاده نشده است و در مغایرت با قانون اساسی قرار دارد، رد کردند. اگرچه تعداد محدودی از نماینده‌گان، خواهان تعدیل دوباره‌ی این فرمان بودند.

نماینده‌گان مجلس، در حالی فرمان تقنینی رییس‌جمهور را رد کردند که از یک‌سو، خود در خلای قانونی و خلاف قانون اساسی، به فعالیت‌های‌شان ادامه می‌دهند. از سوی‌هم، نهادهای مدنی و رسانه‌ای با وجود نواقصی که این فرمان در اصلاحات انتخاباتی دارد، خواهان تصویب آن شده بودند. نگرانی نهادهای مدنی و رسانه‌ای از رد فرمان تقنینی رییس‌جمهور در این است که کشور در وضعیت شکننده‌ی قرار دارد و به هر صورت برای عبور از بحران‌های کنونی، انتخابات برگزار شود.

در عین حال، کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی با استقبال از رد این فرمان تقنینی، خواستار اصلاح واقعی نظام انتخاباتی از سوی حکومت شده است. به باور این کمیسیون که خود یکی مهمین به بحران کشاندن‌شدن انتخابات ریاست‌جمهور سال ۱۳۹۳ می‌باشد، سیستم انتخاباتی کنونی، خود بحران‌ساز و مشکل آفرین در انتخابات می‌باشد.

سوء ظن‌ها در مورد دستبرد مسوولان کمیسیون انتخابات و کمیسیون سمع شکایات‌های انتخاباتی در نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۳ و ادعای تقلب‌های گسترده در این انتخابات، با استفاده از قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی که نظام رای‌دهی و سیستم انتخاباتی کنونی دارد، فرضیه‌ی تغییر چهره‌ها در کمیسیون‌های انتخاباتی را برای اصلاح نظام انتخاباتی در افکار عمومی، عمومیت بخشیده است که گویا با تغییر چهره‌ها و حضور نماینده‌های نهادهای مختلف سیاسی، مدنی، اجتماعی و حقوق‌بشری، اصلاحات به میان می‌آید. اما عناصر اصلی که زمینه‌ساز بحرانی‌شدن انتخابات و نیز این‌که بستر مناسبی را برای تقلب‌های سازمان‌دهی شده مهیا می‌سازد، نادیده گرفته شده است.

نظام رای‌دهی کنونی و کارت‌های رایج رای‌دهی در

حکمت خلیل کرزی:

تمایلی به حضور نظامی روسیه

برای مقابله با داعش نداریم

معاون وزیر امور خارجه افغانستان اعلام کرد که کشورش هیچ تمایلی برای حضور نیروهای خارجی برای مبارزه با گروه تروریستی داعش ندارد و این کشورها با تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان، این کشور را حمایت کند.

به گزارش اسپوتنیک، حکمت خلیل کرزی معاون وزیر امور خارجه افغانستان گفت: افغانستان تمایلی برای حضور نیروهای خارجی در این کشور برای مبارزه گروه تروریستی داعش ندارد.

کرزی در پاسخ به پرسشی در مورد کمک روسیه به افغانستان در جنگ مقابل گروه داعش افزود: انتظار نداریم تا کشوری با آوردن نیروهای خود به افغانستان از ما حمایت کند. خواهان آن هستیم در زمینه توسعه ظرفیت نیروهای امنیت ملی یا تجهیزات حمایت و پشتیبانی خود را از ما اعلام نماید.

جندی پیش شورای امنیت ملی افغانستان در نشستی با حضور محمد اشرف‌غنی رییس‌جمهور این کشور استراژی مبارزه با گروه تروریستی داعش را تأیید کرد. در این نشست رییس‌جمهور افغانستان دستور نابودی و سرکوب کامل گروه تروریستی داعش در این کشور را صادر کرد.

کارشناسان بر این باورند که احتمال کشیده شدن تنش‌های میان روسیه و ترکیه به افغانستان نیز وجود دارد.

ترکیه به شدت فعالیت خود در افغانستان را افزایش داده است که موجب نگرانی مقامات روس شده است.

زیان میلیون‌ها دالری بازرگانان

از درگیری در تورخم

درگیری نیروهای امنیتی افغانستان با مرزبانان پاکستانی در گذرگاه تورخم میلیون‌ها دالر بر بازرگانان افغانستان زیان وارد کرده است.

نیروهای دو کشور از یک‌شنبه هفته گذشته تا اکنون سه بار باهم درگیر شده‌اند. راه تورخم از یک هفته بدین‌سو برای مسافرین بسته است. در دو طرف سرحد، هزاران تن گیر افتاده‌اند.

اصابت گلوله و راکت‌ها از سوی نیروهای پاکستانی به وسایط نقلیه‌ی که مواد تجارتي حمل‌ونقل می‌کردند، سبب شده تا تاجران این کالاها میلیون‌ها دالر متضرر شوند.

محمدصابر، یکی از تاجران در گذرگاه تورخم می‌گوید که در نتیجه درگیری‌های اخیر میان نیروهای پاکستانی و افغانستان در این منطقه حدود ۳۰ موتر آسیب دیده و روزانه به آنان میلیون‌ها دالر صدمه وارد می‌شود.

صیام‌الدین پسرلی، سخنگوی اطاق تجارت و صنایع با تأیید این موضوع می‌گوید که درگیری‌های اخیر در تورخم افزون بر رساندن میلیون‌ها دالر زیان به تاجران، سبب افزایش ۵ درصدی بهای کالاها نیز شده است.

آقای پسرلی می‌گوید، در صورتی که درگیری‌ها به درازا بکشد آنان مجبورند به جای مسیر تورخم و انتقال کالاهای تجارتي از پاکستان مسیر دیگری را انتخاب کنند. به گفته سخنگوی اطاق تجارت و صنایع، چابهار، حیرتان و شیرخان از دیگر بندرهای اند که جایگزین تورخم بوده می‌توانند.

عطالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار می‌گوید که برای بررسی خسارات به‌جامانده در تورخم هیأتی گماشته شده است و تلاش‌ها برای حل این درگیری‌ها از راه‌های دیپلماتیک جریان دارد.

با این که دوشب پیش در این بندر آتش‌بس اعلام شد، اما حضرت عمر زاخیل‌وال، سفیر افغانستان در پاکستان دیروز در صفحه رسمی فیسبوک خود نگاهت که نظامیان پاکستانی خلاف توقع، هنوز هم به دنبال رسیدن به اهداف‌شان هستند.

به گزارش سلام‌وطن دار، آقای زاخیل‌وال با این که از آتش‌بس در این منطقه خبر می‌دهد، خواهان گماشتن هیأتی برای حل این مشکلات شده و می‌گوید، تا زمانی که تنش‌ها میان افغانستان و پاکستان از راه‌های دیپلماتیک حل نشده، پاکستان ساخت تأسیسات نظامی‌اش را باید در منطقه متوقف سازد.

او می‌گوید، به طرف پاکستان خاطر‌نشان کرده که اگر کار ساخت تأسیسات متوقف نشود و برای حل بحران تلاش لازم صورت نگیرد، مسؤولیت آینده و عواقب ناگوار آن به دوش پاکستان خواهد بود

قوماندانی امنیه ولایت پنجشیر جهت رفع نیازمندی سال ۱۳۹۵ پرسونل مدیریت های کشفی آمریت حوزه دوهم امنیتی مربوط به پنج باب آپارتمان که بتواند تمام نیازمندی های ایشان را رفع ساز و در مرکز ولایت موقیعت داشته باشد به مدت یکسال به کرایه میگيرد اشخاص و افراد که دارای همچو آپارتمان بوده و خواهش قرارداد را داشته باشد درخواست های خود را به مدیریت تهیه و تدارکات قوماندانی امنیه ولایت پنجشیر بسپارد و خودشان (۲۱) روز بعد از نشر اعلان مراجعه کنند. با احترام

قوماندانی امنیه ولایت پنجشیر
مدیریت تامینات
مدیریت تهیه و تدارکات